



دانشگاه پیام نور
استان چهارمحال و بختیاری

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تاریخ: ۱۳۹۴/۰۹/۱۸
شماره: ۱۳۹۴/۰۹/۱۸
پیوست: ۱۵/۱/۰۹/۳۸۲۲

پیوست

"گواهی خاتمه طرح پژوهشی"

گواهی می‌شود که طرح پژوهانه با عنوان " بررسی، تحلیل و طبقه بندی ضرب المثل‌ها، اشعار عامیانه فرهنگ بختیاری" با مشخصات ذیل در پاییز ۱۳۹۴ به اتمام رسیده است. نوع طرح بنیادی کاربردی توسعه‌ای در قالب قرارداد شماره ۹۴/د/۱۱/۰۹/۱۵۵۹ مورخ ۹۴/۰۴/۲۲ و مبلغ ۱۲۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال که در جلسه شورای پژوهشی شماره ۹۴/د/۸/۰۹/۱۵۰۹ مورخ ۹۴/۰۴/۰۸/۱۳۹۴ استان چهارمحال و بختیاری به تصویب رسیده است.

مشخصات مجری:

حمید رضایی، هیات علمی دانشگاه پیام نور مرکز شهرکرد

مشخصات همکاران طرح:

ابراهیم ظاهری عبدوند، دانشجوی دکتری دانشگاه شهرکرد

دستاوردهای طرح:

مقالات مستخرج از طرح:

- ✓ جایگاه زن و خانواده در ضرب المثل‌های بختیاری، فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، پائیز و زمستان ۱۳۹۴
- ✓ پذیرش نهایی "بررسی شخصیت های زنان فعال در ادبیات داستانی دفاع مقدس"، فصلنامه ادبیات پارسی
- ✓ پذیرش نهایی "تاثیر جنسیت در اشعار عامیانه فرهنگ بختیاری"، فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه

حسینعلی قجری
سرپرست دانشگاه پیام نور استان



شهرکرد، خیابان
آیت الله کاشانی
بالاتر از چهارراه
دولت خیابان وارث
تلفن: ۳۲۲۶۱۶۸۵ - ۳۲۲۶۳۴۸۵
دورنگار: ۳۲۲۲۸۶۱۳
صندوق پستی: ۶۷۷ - ۸۸۱۵۵
Website: pnuchb.ac.ir

طرح پژوهشی

دانشگاه پیام نور شهرکرد

بررسی، تحلیل و طبقه‌بندی ضرب‌المثل‌ها و ترانه‌ها

در فرهنگ بختیاری

مجری

دکتر حمید رضایی

ابراهیم ظاهری عبدوند

۱۳۹۴

چکیده

جنسیت به عنوان هویت اجتماعی افراد، نقش مهمی در شکل‌گیری اشعار عامیانه به خصوص اشعار عامیانه فرهنگ بختیاری دارد. این اشعار ضمن این که ارزش‌ها و باورهای مختلف نسبت به زنان و مردان را بازتاب می‌دهد، در نهادینه کردن این ارزش‌ها تأثیر بسزایی دارد. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر جنسیت در اشعار عامیانه (ترانه‌های نوازشی، لالایی‌ها، آهای گل و سوگ سروده‌ها) در فرهنگ بختیاری و ضرب‌المثل‌های است که با روش تحلیل محتوا و مبنای نظری نابرابری جنسی نقد فمینیستی واکاوی شده‌اند. جنسیت سبب شده است این اشعار به دو قسمت اشعار زنانه و مردانه تقسیم شود. خانه، عرصه خصوصی و مهارت در انجام کارهای آن مانند نان‌پزی، شیردوشی و مهمان‌نوازی، مختص به زنان است. اجتماع و عرصه عمومی و صفت‌هایی مانند مجلس‌نشین، سخن‌دان، عاقل، جنگاور و شجاع مختص به مردان است. نابرابری جنسی در فرهنگ بختیاری، به صورت عطف‌آمیز است؛ یعنی ضمن نگاه مثبت به زنان، آنها دارای جایگاه پایین‌تری نسبت به مردان‌اند.

بررسی ضرب‌المثل‌ها، می‌تواند در شناخت جنبه‌های مختلف هر فرهنگی نقش مؤثری داشته باشد؛ چرا که در ضرب‌المثل‌ها، فرهنگ هر قوم و ملتی به تصویر کشیده شده است. در این ضرب‌المثل‌ها زن گاه جایگاه فرادست، گاه فرودست و گاه برابری با مردان دارد. وقتی سخن از مسائل درون خانه و حیطه خصوصی است، زن موجودی قدسی و فراتر از مرد محسوب شده است و در ضرب‌المثل‌هایی که از حیطه عمومی و جایگاه اجتماعی افراد بحث می‌شود، زن جایگاه فرودستی نسبت به مردان دارد. در ضرب‌المثل‌هایی که از مسائل عام زندگی سخن گفته می‌شود، جایگاه زنان با مردان برابر است. همچنین در بسیاری از این ضرب‌المثل‌ها، نگاه مردسالارانه حاکم است و اندیشه‌های مطلوب جامعه مردسالار برای زنان نهادینه می‌شود. ازدواج، مذموم شمردن چند همسری، شناخت همسر پیش از ازدواج، نحوه شناخت همسر و وظایف زوجین، از جمله مسائل مربوط به خانواده هستند که در این ضرب‌المثل‌ها انعکاس یافته است.

واژگان کلیدی: فرهنگ بختیاری، شعر، ضرب‌المثل، جنسیت، نابرابری

فهرست

فصل اول (کلیات)

مقدمه.....	۶
اهداف پژوهش.....	۱۰
سؤال‌های پژوهش.....	۱۰
روش پژوهش.....	۱۱
پیشینه پژوهش.....	۱۲
مبنای نظری پژوهش.....	۱۴

فصل دوم

جنسیت و ترانه‌های لالایی و نوازشی.....	۲۰
جنسیت و ترانه‌ها و لالایی‌های مربوط مردانه.....	۲۱
جنسیت و ترانه‌ها و لالایی‌های زنانه.....	۲۷
جنسیت و اشعار مربوط به عروسی.....	۳۸
جنسیت و وصف داماد.....	۳۹

۴۸.....جنسیت و وسف عروس

۵۳.....جنسیت و سوگ سروده‌ها

۵۴.....سوگ سروده‌های زنانه

۶۵.....سوگ سروده‌های مردانه

فصل سوم

۷۵.....جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های فرهنگ بختیاری

۷۵.....فردستی زنان

۸۱.....فردستی زنان

۸۴.....برابری زن با مرد

۸۵.....تقابل بین صفتهای قایل شده برای زنان و مردان و انتظارات از آنان

۹۸.....خانواده و مسائل آن در ضرب‌المثل‌ها

۱۰۴.....نتیجه‌گیری

۱۰۸.....منابع

فصل اول (کلیات)

—مقدمه

یکی از شاخه‌های مهم فرهنگ هر ملتی، فرهنگ عامه است که «مجموعه‌ای از دانستنی‌ها، اعمال و رفتاری که در بین عامه‌ی مردم بدون در نظر گرفتن و حتی بدون وجود فواید علمی و منطقی آن سینه به سینه و نسل به نسل به صورت تجربه به ارث رسیده است» (روح‌الامینی، ۱۳۸۲: ۲۲۶).

ادبیات شفاهی و عامه شامل اسطوره‌ها، ترانه‌ها، قصه‌ها، افسانه‌ها و از جمله ضرب‌المثل‌ها است. ضرب‌المثل «جمله‌ای است کوتاه، استعاری، برگرفته از تجربیات روزانه، با مضمونی حکیمانه، حاوی اظهارنظر یا عقیده‌ای کلی و پندآمیز که به دلیل روانی الفاظ، روشنی معنی و موسیقی کلام میان مردم مشهور شده و آن را با تغییر جزئی یا بدون تغییر در گفتار خود به کار می‌برند و به آن استناد می‌کنند» (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۱۷). ضرب‌المثل‌ها، منبع مهمی برای مطالعات مردم‌شناسی هستند؛ چرا که از طریق آنها بسیاری از اطلاعات مربوط به فرهنگ‌های مختلف حفظ و از نسلی به نسل دیگر انتقال داده می‌-

شود. ضرب‌المثل‌ها «یک نوع رده‌شناسی خاص از الگوهای تفکر محسوب می‌شوند که با استفاده از آنها می‌توان بسیاری از ایده‌های راجع به این که افراد هر جامعه چگونه فکر می‌کنند، مفاهیم را درک و پدیده‌های جهان را دسته‌بندی می‌کنند، استخراج کرد و به این نکته پی‌برد که چگونه دانش سنتی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد» (زاهدی، ۱۳۹۱: ۸۲). ضرب‌المثل‌ها، نشانگر رفتارهای بهنجار، نابهنجار و ارزش‌های ضد اجتماعی هستند که مردم آنها را پذیرفته‌اند و یا رد کرده‌اند؛ بدین سبب بیش از ادبیات مکتوب و شعر و نثر، نشان‌دهنده‌ی اندیشه‌های اجتماع هستند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳). یکی از موضوع‌های مهم انعکاس یافته در ضرب‌المثل‌ها، خانواده و مسائل مربوط به زنان است. در آنها، هم از نقش‌های مثبت زنان سخن گفته می‌شود و هم از صفات منفی آنان. همچنین نگرش هر قومی را نسبت به زنان، می‌توان با بررسی ضرب‌المثل‌ها آن قوم به دست آورد و فهمید که هر فرهنگی چه انتظاراتی از زنان دارند و چه مسائلی از خانواده برای آن فرهنگ مهم است. با توجه به این اهمیت ضرب‌المثل‌ها در شناخت جنبه‌های مختلف زندگی و

خانواده، هدف این پژوهش، آن است که به بررسی خانواده و نقش زنان در ضرب‌المثل‌های فرهنگ بختیاری با رویکرد نقد فمینیستی پرداخته شود.

برای شناخت مردم هر منطقه و فرهنگ‌شان، مطالعه در ادبیات آنها امری ضروری است. در این زمینه، ترانه‌ها و اشعار عامیانه نقش مهمی دارند. ترانه‌های عامیانه که به خودی خود ساخته و خوانده می‌شوند؛ آوازهایی هستند که بین مردم رواج داشته و از ضمیر ناخودآگاه و توانایی‌های ذاتی آنان پدید آمده‌اند. این اشعار روح آزادی و سادگی و بی‌تکلیف مردم را تجلی می‌دهند. با عواطف و هیجانات ساده سر و کار دارند و وصف جلوه‌های طبیعت نیز در آنها دیده می‌شود. این اشعار سرچشمه‌ی بسیاری از افکار بشری و بیانگر تاریخ، فرهنگ و اندیشه‌های زنده و گویای مردمی است که احساسات خود را به صورت بدیهی مطرح می‌کنند (محبوب، ۱۳۸۷: ۴۷؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۴۷؛ تمیم داری، ۱۳۹۳: ۴۹). اشعار عامیانه نه تنها نقش مهمی در ایجاد تحرک در زندگی افراد دارد و به زندگی آنها جهت می‌دهد؛ بلکه در همه زمینه‌ها، متأثر از فرهنگی است که در آن به وجود آمده است. «سادگی و

روانی، کلام، ملودی، ضرباهنگ، و وزن ترانه‌ها متأثر از زندگی ساده و بی-
آلایش اقوام می‌باشد و تفکر و روح حاکم بر محتوای ترانه‌ها به طور معمول
از حیطة، قلمرو و زندگی روزمره‌ی قومی فراتر نمی‌رود» (کاظمی، ۱۳۸۰: ۲۷).
شعر و ترانه، در فرهنگ بختیاری جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چنان که معمولاً برای
انجام هر کاری از بدو تولد تا مرگ، شعر خوانده می‌شود؛ اشعاری مانند
لالایی‌ها، ترانه‌های نوازشی، سوگ سروده‌ها، آهای گل، دوالالی، ترانه‌های کار
و اشعار صیادی. محتوای این اشعار، دربرگیرنده مسائل مختلف سیاسی،
اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که نگرش‌ها، باورها و ارزش‌ها را
بازنمایی می‌کنند؛ بنابراین بررسی آنها می‌تواند نقش مهمی در شناخت این
فرهنگ داشته باشد.

-اهداف پژوهش

هدف این پژوهش نیز بررسی اشعار و ترانه‌های نوازشی و لالایی (تولد)، ترانه‌های مربوط به عروسی (ازدواج) و سوگ سروده‌ها (مرگ) و ضرب‌المثل‌ها در فرهنگ بختیاری است. نوع نگرش به زنان و مردان در فرهنگ بختیاری واکاوی و نابرابری جنسی و عامل آن نشان داده می‌شود؛ چرا که شناخت عوامل ایجادکننده نابرابری جنسی نقش مهمی در توسعه جوامع و نفی تبعیض‌های جنسی و نابرابری بین زنان و مردان دارد.

اهداف جزئی آن عبارتند از:

- بررسی جایگاه خانواده و مسایل مربوط به آن در ضرب‌المثل‌ها و ترانه‌ها در فرهنگ بختیاری؛

- بررسی دغدغه‌های اقتصادی بازتاب یافته در ضرب‌المثل‌ها و ترانه‌ها؛

سؤال‌های پژوهش

-جنسیت چه تأثیری در اشعار عامیانه در فرهنگ بختیاری دارد؟

-نابرابری جنسی به چه شکلی در اشعار عامیانه فرهنگ بختیاری بازتاب یافته است؟

-آیا اشعار عامیانه در فرهنگ بختیاری در نهادینه کردن نابرابری‌های جنسی و اجتماعی نقشی دارند؟

-چه مضامینی درباره‌ی زنان و خانواده در اشعار عامیانه در فرهنگ بختیاری بازتاب یافته است؟

- در ضرب‌المثل‌ها، چه جایگاهی برای زنان در فرهنگ بختیاری در نظر گرفته شده است؟

- مهمترین مسائل خانواده انعکاس یافته در ضرب‌المثل‌ها کدامند؟

-روش پژوهش

یکی از روش‌های مهم پژوهش در حوزه مطالعات فولکلورشناسی، روش‌های کیفی است؛ زیرا این نوع مطالعات ذهنی، نمادین، توأم با نشانه‌ها و معنی‌سازی و معنی‌داری است (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۱۱). در این پژوهش نیز از روش تحلیل

محتوای کیفی استفاده شده است؛ چرا که بر اساس این روش، می‌توان متون مختلف در زمان گذشته را بررسی کرد و به خصوصیت اجتماعی - فرهنگی آن زمان پی‌برد (رفیع پور، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

-پیشینه‌ی پژوهش

درباره نقش و جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های بختیاری، تحقیق بایسته‌ای تاکنون صورت نگرفته است؛ اما درباره‌ی جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های دیگر فرهنگ‌ها، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. معصومی در مقاله «زن و ضرب‌المثل‌های جنسیتی» به بررسی میزان استفاده از ضرب‌المثل‌های جنسیتی در بین مردم تهران پرداخته و نتیجه گرفته است که میزان کاربرد این نوع ضرب‌المثل‌ها کم است (معصومی، ۱۳۹۱: ۱۳۶). زاهدی در مقاله «زن در ضرب‌المثل‌های انگلیسی: رویکرد تحلیلی انتقادی گفتمان» به این نتیجه رسیده است که مناسبات قدرت نه تنها بین زن و مرد برابر نیست؛ بلکه بین خود زنان نیز با توجه به جایگاه اجتماعی‌شان به صورت برابر توزیع

نشده است و نابرابری جنسی دیده می‌شود (زاهدی، ۱۳۹۱: ۸۱). نتیجه مقاله «مطالعه‌ی تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی» این است که «ضرب‌المثل‌ها عرصه‌ی تولید بازنمایی یک نظام معنایی بسیار متنوع و چندبعدی در رابطه با زنان است که نمی‌توان با کاربرد رویکرد اتیک و روش‌های عینیت‌گرا آنها را درک کرد» (محمدپور، ۱۳۹۱: ۸۰). آثاری نیز درباره نقش زنان در فرهنگ بختیاری انجام شده است. نویسندگان مقاله «تصویر زن در قصه‌های عامیانه فرهنگ بختیاری» به بررسی مسایل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زنان در قصه‌های بختیاری پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که بیشتر دغدغه‌های زنان در مسائل فرهنگی است تا سیاسی و اقتصادی (رضایی، ۱۳۹۲: ۲۵۷). در کتاب‌های پژوهشی «درباره‌ی ایل بختیاری» از بهرام احمدیان، «فرهنگ سیاسی عشایر جنوب ایران» از عبدالعلی خسروی و «جستاری در فرهنگ و هنر بختیاری» از عباس قنبری نیز به مسائل زنان در فرهنگ بختیاری توجه شده است.

-مبنای نظری پژوهش (فمینیسم و نابرابری جنسی)

گذشته از سن، از عوامل بسیار تأثیرگذار در اشعار عامیانه فرهنگ بختیاری، جنسیت است. «جنسیت رفتارها، نقش‌ها، فعالیت‌ها، نگرش‌ها و مسئولیت‌های منسوب به زن یا مرد در جامعه است» (جزینی، ۱۳۸۰: ۱۳). در حقیقت جنسیت هویت اجتماعی مردان و زنان است. در جوامع مردسالار هویت و جایگاه مردان را برتر از زنان می‌دانند و به گونه‌ای بین آنها نابرابری دیده می‌شود. مبنای نظری این پژوهش نیز نظریه فمینیسم لیبرال با تکیه بر نابرابری جنسی است. نابرابری جنسی، یکی از سه نظریه فمینیستی است که بر اساس آن به بررسی وضعیت زنان پرداخته می‌شود. این نظریه دارای چهار مضمون است: یک، زنان و مردان، موقعیت‌های نابرابری دارند؛ دوم این نابرابری از سازمان جامعه ناشی می‌شود؛ سومین مضمون نابرابری اجتماعی این است که با وجود تفاوت در استعدادهای افراد، هیچ گونه الگوی تفاوت طبیعی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز کند؛ مضمون چهارم این که دگرگون ساختن

موقعیت زنان امکان‌پذیر است (ریترز، ۱۳۸۴: ۴۷۳). فمینیست، دارای گرایش - های متفاوتی است که ویژگی مشترک تمام این گرایش‌ها، اعتقاد به ستم بر زنان در جامعه مردان است. آنها خواستار حقوق اجتماعی و سیاسی برابر برای زنان با مردان‌اند. لیبرال فمینیسم، بر نابرابری جنسی تأکید دارد و درصدد تبیین این نابرابری است. هدف آنها، این است که نشان دهند: «تفاوت‌های قابل مشاهده میان دو جنس ذاتی نیست؛ بلکه نتیجه‌ی جامعه‌پذیری و "همگون- سازی جنس و نقش" است. تفاوت رفتار با دختران و پسران که کمابیش از بدو تولد آغاز می‌شود، از شکوفایی کامل ظرفیت‌های انسانی زنان جلوگیری می‌کند» [۱]. از نظر لیبرال‌ها، زنان به طور بنیادین با مردان تفاوت ندارند. آنها خواهان اصلاح جامعه هستند تا زنان و مردان به فرصت‌های برابر با مردان در جامعه دست یابند.

مبنای نظری این پژوهش، نقد فمینیستی است. درباره فمینیست باید گفت: «هیچ تعریف جامع و واحدی از فمینیسم وجود ندارد» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۳۸۸). فمینیست یک جنبش فکری یکپارچه نیست؛ بلکه جنبشی با گرایش‌های

متفاوتی است که ویژگی مشترک تمام این گرایش‌ها، این بوده که معتقد به ستم بر زنان در جامعه مردان است. از نظر آنها، زنان تحت سلطه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردان هستند و زن دیگری محسوب می‌شود؛ بنابراین خواستار حقوق اجتماعی و سیاسی برابر، برای زنان با مردان هستند. جنبش فمینیسم دارای گرایش‌های متفاوتی بوده است: لیبرال فمینیست «این خط فکری را مشخصا با این داعیه پی‌گیری می‌کند که زنان به طور بنیادین با مردان تفاوت ندارند و با وجود این به خاطر جنس ایشان از بسیاری از فرصت‌ها محروم می‌شوند» (سبیلی، ۱۳۸۵: ۸۸). به اعتقاد لیبرال فمینیست‌ها، علت نابرابری نه تفاوت‌های طبیعی بین دو جنس؛ بلکه ناشی از موقعیت‌های نابرابر اجتماعی است. این گرایش، خواهان اصلاح جامعه هستند تا زنان به فرصت‌های برابر با مردان در جامعه دست بیابند. «هسته مرکزی عقاید فمینیست‌های رادیکال / انقلابی این است که نابرابری‌های جنسیتی محصول یک نظام مقتدر مردسالار و مهمترین شکل نابرابری اجتماعی است. به نظر این گروه، هر نوع نظام سلطه‌ی مردانه را همواره نوعی تقسیم کار جنسی تقویت و

تحکیم می‌کرده است» (آبوت، ۱۳۸۷: ۹۳). گرایش دیگر، رادیکال فمینیست‌ها هستند که ریشه ستم بر زنان را جنس زنان می‌دانند؛ اما آنها این خصلت‌های زنانه را نشانه‌ی برتری زنان می‌دانند و آنان را به جدایی‌طلبی از مردان تشویق می‌کنند. بر اساس این دیدگاه آنچه مورد نیاز است اتحاد و یکپارچگی زنان برای رهایی از سلطه مردان است. آزادی جنسیتی زنان از سلطه مردان و به تبع آن نفی ازدواج همچون سستی اجتماعی که زمینه‌ساز سلطه مردان بوده، از نکته‌های مورد توجه در این گرایش است (باقری ۱۳۸۲: ۴۰-۴۱). مارکسیست فمینیست‌ها، با پیروی از آثار کارل مارکس، ریشه نابرابری و ستم مردان بر زنان را در توزیع نابرابر منابع ثروت قلمداد می‌کنند. از نظر آنها، زنان در هر طبقه‌ای نسبت به مردان قدرت و منزلت کمتری دارند که ریشه این امر در امر سرمایه‌داری است. سوسیال فمینیست، جنس و طبقه اقتصادی را سبب ستم بر زنان می‌داند و با «طرح نظام دوگانه (سرمایه داری و مرد سالاری) از میان رفتن نابرابری را تنها به از میان رفتن سرمایه‌داری و ستم سرمایه‌داری محدود نمی‌کند؛ بلکه به فروپاشی مردسالاری نیز تأکید داشت» (اعزازی، ۱۳۸۵: ۷).

یکی از زمینه‌های مورد انتقاد فمینیست‌ها، فرهنگ عامه است. افزایش توجه به حضور زنان در فرهنگ عامه، در حوزه مطالعات فرهنگی از تجدید حیات وسیع‌تر نظریه‌ی فمینیستی است. بر اساس این نقد، فرهنگ عامه شکلی از ایدئولوژی پدرسالاری است که به نفع مردان و به ضرر زنان می‌باشد (تمیم-داری، ۱۳۹۳: ۴۱). تاکمن یکی از منتقدان این زمینه معتقد به «فنا‌ی نمادین زنان است؛ بدین معنی که زنان در فرهنگ عامه و به خصوص رسانه‌ها در حاشیه قرار گرفته‌اند و منافع آنها ناچیز محسوب شده است. به اعتقاد او، این نظر با فرضیه «بازتاب» که بیان‌کننده این موضوع است که رسانه‌ها، ارزش‌های اجتماعی حاکم در یک جامعه را منعکس می‌کند، در ارتباط است (استریناتی، ۱۳۹۲: ۲۴۳-۲۴۲). «این ارزش‌ها نه به اجتماع واقعی بلکه به "بازتولید نمادین" اجتماع؛ یعنی به نحوی که جامعه میل دارد خود را ببیند، مربوط هستند. تاکمن معتقد است که اگر موضوعی به این صورت متجلی شود فنا‌ی نمادین صورت می‌گیرد: محکوم شدن و ناچیز به حساب آمدن و یا عدم حضور که به معنی فنا‌ی نمادین است» (همان).

در این پژوهش، ضرب‌المثل‌های فرهنگ بختیاری با این رویکرد نقد می‌شود و نشان داده خواهد شد چگونه ضرب‌المثل‌ها در فرهنگ بختیاری حضور زن در اجتماع را نادیده می‌گیرند و چگونه از این طریق، از زنان خواسته می‌شود در حیطة خانه محصور باشند.

فصل دوم

جنسیت و ترانه‌های لالایی و نوازشی

لالایی‌ها و ترانه‌های نوازشی، نقش مهمی در نهادینه کردن ارزش‌ها و باورها در فرهنگ بختیاری دارد؛ زیرا در این اشعار، از مطلوب‌هایی سخن گفته می‌شود که کودکان باید بیاموزند و اولین اشعار و حتی واژگانی هستند که کودک با آنها آشنا می‌شود. «لالایی‌ها یکی از غنی‌ترین ابعاد فرهنگ معنوی جامعه به حساب می‌آیند و نقش فراوانی در اجتماعی کردن افراد جامعه دارند و نیز نخستین آموزه‌های فرهنگی هستند که به این وسیله مادران به فرزندان منتقل می‌کنند» (کیانی، ۱۳۹۱: ۹۳). ترانه‌های نوازشی نیز در عین این که عرصه «انتقال و ایثار محبت، مهربانی، شادی قلب و روح و نوازش‌دهنده به کودک- اند، نشان‌دهنده برخی عقده‌ها، کمبودها و امیال سرکوفته هستند و از این حیث مضمون این نوع ترانه‌ها شبیه به لالایی‌هاست» (خالق زاده، ۱۳۹۰: ۲۵۴). یکی از ویژگی‌های مهم این اشعار، جنبه واقع‌گرایی آنهاست؛ به گونه‌ای که مضامین آنها پیوند نزدیکی با مسائل زندگی دارند و مباحث اجتماعی، فرهنگی

و سیاسی جامعه را منعکس می‌کنند. در این اشعار هم به جایگاه پسر و دختر و صفت‌ها و انتظارات از آنها و هم به دغدغه‌های زنان به عنوان سرایندگان این گونه اشعار اشاره می‌شود.

جنسیت و ترانه‌ها و لالایی‌های مردانه

مهمترین مسأله و محتوای لالایی‌ها و ترانه‌های نوازشی مربوط به جنس مذکر، احساس شادی، شکرگزاری و افتخار به داشتن پسر است که این امر نشان از جایگاه والای پسر در فرهنگ بختیاری دارد. صفت‌های منتسب به پسران عبارت است از: سخن‌دان، شجاع، عاقل و باهوش. از آنجا که این نوع صفت‌ها برای زنان به کار نرفته است، می‌توان گفت صفت‌های مردانه هستند که کودک پسر باید آنها را بیاموزد. همچنین برخی از این صفت‌ها مانند شجاعت و سخن‌دانی، صفت‌هایی‌اند که بیشتر در عرصه عمومی و بیرون از خانه به آنها نیاز است؛ بنابراین از طریق این اشعار، از دوران کودکی برای پسر نهادینه می‌شود باید صفت‌های را بیاموزد و کارهایی را انجام دهد که مربوط به حیطة

اجتماع و بیرون از خانه است. بدین ترتیب این گونه نهادینه می‌شود که خانه مختص به زنان است و بیرون از خانه مختص به مردان.

در برخی از لالایی‌ها، به جایگاه اجتماعی پدر و کارهای مختص به مردان اشاره می‌شود از جمله کدخدا بودن، آبیاری و خرید کردن. این زمینه نیز یکی از مهمترین زمینه‌های جنسیتی شده در فرهنگ بختیاری است؛ چرا که جایگاه اجتماعی داشتن مانند کدخدایی و کارهای بیرون از خانه مختص به مردان است و زنان نمی‌توانند به چنین جایگاه‌هایی برسند یا چنین کارهایی را انجام دهند. در ترانه‌های نوازشی و لالایی‌ها، برخلاف دختران کمتر به مسایل ازدواج پسران پرداخته شده است و در همان موارد محدود نیز به او گوشزد می‌شود زن گرفتن، برای انجام کارهای خانه است.

صفت‌ها مفاهیم مردانه در لالایی و ترانه‌های نوازشی / نمونه اشعار

شکرگزاری	از	شکرش با آقا خدا	کری داده به ایما
خداوند به	سبب	(خداوند را سپاس‌گزاریم که پسری به ما داده	
فرزند پسر		است)	

<p>شکرت شکرت شکرت شکرونی</p> <p>ای خدا دادی نستونی</p> <p>(خدایا با سپاس فراوان از تو، این پسری را که به ما داده‌ای، پس نگیر)</p>	<p>دعا برای زنده ماندن</p> <p>پسر</p>
<p>بوم تو، گگوم تو</p> <p>بی یو ریم به باغ توتو</p> <p>(بابام تو هستی، برادرم توهستی، بیا به باغ سماق برویم)</p> <p>باغ گلمی تو، جون دلمی تو</p> <p>خرمنی تو، حاصلمی تو</p> <p>(باغ گل من، جان دل من، خرمن و حاصل من تو هستی)</p> <p>گرم گرم دونه بنه پنیر و پیازس یه منه</p>	<p>افتخار و ناز کردن</p> <p>به پسر</p>

<p>(پسرم پسرم لقمه اش یک من است)</p> <p>توقوتمی، تو عزتمی، تو حرمتمی</p> <p>(تو نیرودهنده به من هستی، تو مایه عزت و حرمت من هستی)</p> <p>برارم، برارم،</p> <p>عزیزمی، امید روزگارم</p> <p>(تو برادر من هستی و عزیز و امید روزگار من)</p>	
<p>بیو رودم که دستبندت</p> <p>طلایه بده بوسی که بوت کدخدایه</p> <p>(بیا فرزندانم که دستبندت از طلاست و بوسی بده که پدرت کدخداست)</p> <p>اله لالایی لالایی گل تنگس</p> <p>اله لالائی بوت ره به میلس</p>	<p>اشاره به جایگاه اجتماعی پدر</p>

<p>(اله لالایی، لالایی گل تنگس، پدرت به مجلس رفته است)</p>	
<p>خوشگل خوشگل اناری خدا کنه ننالی (همانند انار خوشگل هستی، خدا کند که هرگز ناله نکنی)</p>	<p>اشاره به زیبایی پسر</p>
<p>قربون گوش وا عقل و هوش (قربان گوشش که با عقل و هوش است)</p>	<p>عادل و هشیار</p>
<p>قربون زون سیب سخن دون (قربون زبانش که مانند سیب سخن دان است)</p>	<p>سخن دان</p>
<p>کس کار وات داشت؟ کی زهله داشت ([از جایی که می آمدی کسی] با تو جنگ کرد؟ هیچ کسی جرأت این کار را داشت)</p>	<p>شجاع و شکارچی</p>

<p>آی تنگه تنگه تنگه / کرم زیده</p> <p>پلنگه/پلنگ دم تنگه</p> <p>(دست دست دست / پسر پلنگ را شکار کرد، پلنگ دم دره را)</p>	
<p>سر و جونم به قربون سرت با</p> <p>بوت آورد ز دسپیل بار خرما</p> <p>(سر و جان من قربان سرت باشد، بابات از دزفول خرما آورد)</p> <p>بوت رهد به او یاری</p> <p>دم بیلس طلاکاری</p> <p>(بابات برای آبیاری رفته و نوک بیلش از جنس طلاست)</p>	<p>اشاره به کارهای مردانه</p>
<p>ای گُرم کینه بستونه</p> <p>دو دهدر گوجونی</p>	<p>ازدواج پسر</p>

یکی سی گله داری	یکی سی حونه داری
(این پسرم با کی ازدواج کند با دو دختر گوجانی یکی برای محافظت از گله‌ها یکی هم برای کار در خانه)	

(قنبری، ۱۳۹۱: ۱۴۷؛ حسین پور، ۱۳۹۱: ۳۴۰-۲۹۰)

جنسیت و ترانه‌ها و لالایی‌های زنان

از جمله مسائل مهم در ترانه‌های نوازشی و لالایی‌هایی که مخاطب آنها دختران است؛ چنان که در جدول زیر (۲) نشان داده شده است، اشاره به در پس پرده و در خانه ماندن دختران است و این که تنها پسران می‌توانند همراه پدر برای انجام کار به بیرون از خانه بروند. بدین طریق به دختران گوشزد می‌شود آنها باید در کنار مادران خود در خانه بمانند. از طریق این اشعار این ارزش در فرهنگ بختیاری نهادینه می‌شود که زن فرشته خانه است و نباید وارد حیطة‌ای شود که مخصوصش نیست و به ارزش او آسیب می‌رساند.

مضمون دیگر این اشعار، سخن گفتن از دغدغه‌های زنان مانند ازدواج شوهر و مسأله چند همسری است. از آنجا که این دغدغه در قصه‌ها و ضرب‌المثل‌ها نیز بسامد بالایی دارد (رضایی، ۱۳۹۲: ۲۴۹)، می‌توان گفت مهمترین دغدغه زنان در فرهنگ بختیاری است. به دلایل مختلف به خصوص به دلیل اقتصادی مسأله چند همسری در این فرهنگ رواج داشته؛ اما این موضوع از سوی زنان پذیرفته نشده است و به شیوه‌های مختلف از جمله در اشکال روایی و اشعار آن را مطرح کرده و اعتراض خود را به آن نشان داده‌اند.

دل‌نگرانی دیگر زنان که بسامد قابل توجهی در این اشعار دارد، نبودن شوهر در کنار خانواده و انتظار برای بازگشت اوست. زن خواننده اشعار همواره به کودک خود نوید می‌دهد، پدرش که برای انجام کار به بیرون از خانه رفته است، به زودی بازمی‌گردد و آنها را در سایه حمایت خود می‌گیرد. در این مورد نیز به صورت غیرمستقیم این ارزش نهادینه می‌شود مردان می‌توانند برای انجام کار به بیرون از خانه بروند و زنان باید در خانه

بمانند و کارهایی مانند بچه‌داری انجام دهند. «نبودن پدر در خانه» حاکی از آن است که تأمین اقتصادی خانواده بر عهده مردان بوده و زنان به مدیریت منزل و پرورش و تربیت فرزند مشغول بوده‌اند» (عنایت، ۱۳۹۰: ۶۴).

در میان صفت‌های منتسب به زنان بیشتر به زیبا بودن و به مهارت‌شان در انجام کارهای مختص به زنان مانند نان پزی، آب آوردن و دوغ زدن اشاره شده است. که در مقایسه با صفت‌ها و کارهای مردان، ارزش کمتری دارند و مردان برای جلوگیری از زنانه شدن، به این امور مبادرت نمی‌ورزند.

از مهمترین مضامین ترانه‌ها و لالایی‌های مربوط به دختران، ازدواج آنهاست. در جوامع سنتی و مردسالار زن از طریق ازدواج است که هویت می‌یابد بدین سبب بر این موضوع تأکید بسیار می‌شود. «از آنجایی که در جامعه‌ی مردسالار، دختران تنها از طریق ازدواج هویتی اجتماعی می‌یابند، این امر در زندگی آنها نقش و اهمیتی بسیار پیدا کرده است» (بشیری، ۱۳۹۰: ۵۸).

همچنین مضامین مربوط به ازدواج که در این اشعار انعکاس یافته است، نشان از آرمان‌های زنان در این زمینه دارد. در این اشعار سه خواسته یا معیار

برجسته شده است: عروس کدخدا شدن (افراد لایق صاحب جاه و مقام)، خویشان نزدیک (عموزادگان) و به ازدواج در نیاوردن آنها با افراد نالایق و غریبه. این معیارها نشان از آن دارد که در فرهنگ بختیاری بیشتر ازدواج درون گروهی (ازدواج با پسر عمو) رواج دارد و ارزش محسوب می‌شود. ازدواج برون گروهی، سبب می‌شود زن با خویشان خود کمتر و سخت‌تر رابطه داشته باشد؛ بنابراین ازدواج با خویشان بر ازدواج برون گروهی ترجیح داده می‌شده است.

صفت‌ها و مفاهیم زنانه در لالایی و ترانه‌های نوازشی / نمونه اشعار

زیبایی جسمانی	دهدر مالا	خوش کد و بالا
	(دختر مال و طایفه کمر و بالا تنه‌ی زیبایی دارد)	
	دهدری دارم پاره مه	گندم کندی سر ره
	(دختری به زیبایی پاره ماه و گندم و عدس دارم)	
در پس پرده بودن	کرم وا بوس به شکال	درم پس پرده من مال
زنان	(پسرم با پدرش به شکار رفته است و دخترم در	

خانه و پس پرده و در خانه)	
<p>دهدرم تاج سرم / کاسه مشور دلبرم /</p> <p>شی سی نکرد مند به سرم</p> <p>(دخترم تاج سرم، کاسه مشوی دلبرم، شوهر نکرد و روی دستم ماند)</p> <p>لالا لالا گل نانا</p> <p>دو دست دهدرم مین جیو خانا</p> <p>(لالالالا گل نعنا دست دخترم در جیب خوانین باشد)</p> <p>لالا لالایی، لایی خرگوش</p> <p>دو دست دهدرم مین جیو عاموش</p> <p>(لالا لالایی لایی خرگوش دو دست دخترم در جیب عمویش)</p>	ازدواج دختر

<p>دهدری دارم هزار میشی</p> <p>نیدومس مرد لیشی</p> <p>(دختری به ارزش هزار میش دارم و به مرد بی- لیاقت نمی‌دهمش)</p> <p>دهدر ز اوناز مشکسه رفته</p> <p>صد سوار زبختیار ره ورس گرفده</p> <p>(دختر از آب ناز مشک را پر کرده است صد سوار بختیاری راه را بر وی بسته است)</p> <p>دهدری دارم هزار میشی</p> <p>نیدمس مرد لیشی</p> <p>(دختری دارم به ارزش هزار میش و وی را به مرد بی لیاقت نمی‌دهم)</p>	
<p>بخوس جونم که هالوت وید به میلس</p>	<p>دیدار خویشان زن</p>

<p>تو بکن خو خیری، مو رم به سیلس</p> <p>(جانم بخواب که داییات به مجلس آمده است تو خواب خوش یمنی بکن تا من به دیدنش بروم)</p>	
<p>بگو بابا کی می آیی</p> <p>(لالا گل چایی</p> <p>بگو بابا کی باز می گردی)</p> <p>بابات رفته به دشتسون</p> <p>(لالا لالا گل بوسون</p> <p>بابات رفته به دشتستان رفته است)</p> <p>بابات رفته کمر بسته</p> <p>(لالا لالا گل پسته، بابات کمر بسته رفته است)</p> <p>آله لالا، گل قالی</p> <p>باواش رفت بچه مونده و تنهایی</p> <p>(آله لالا، گل قالی، پدرش رفته است و بچه تنها مانده است)</p>	<p>نگرانی همسر از</p> <p>نبودن شوهر</p>

<p>لالا لالا، باواش اياه صدای کفش پاش اياه</p> <p>(لالا لالا بابای اش می آید و صدای کفشش می - آید)</p> <p>لالا لالا گل باغ بهشتم سی باوات نامه نوشتم</p> <p>(لالا لالا گل باغ بهشتم، برای پدرت نامه نوشتم)</p> <p>لالا لالا گل گردو آقات رفته مین اردو</p> <p>(لالا لالا گل گردو، بابایت به اردوی جنگ رفته است)</p> <p>لالا لالا گل سوسن</p> <p>بابایت آمد چشم هایت روشن</p> <p>(لالا گل سوسن، بچه ام چشمت روشن که پدرت آمد)</p>	
<p>لالا لالا گل زیره بابات رفته زن بگیره</p>	<p>نگرانی مادر از چند همسری</p>

<p>الا کارش سر نگیره دل مادر جا بگیره</p> <p>(لالا لالا گل زیره بابایت رفته است زن دیگری بگیرد)</p> <p>الهی کارش سامان نگیرد تا دل مادرت آرامش بیابد)</p> <p>قالی ریشس کووه دهدر هالوم حووه</p> <p>(قالی تارش کبود است و دختر دایم حوویم است)</p>	
<p>دهدرم دهدرزنه</p> <p>او یاره مشک ازنه</p> <p>اویاره هیمنه</p> <p>اشوره رختا میرنه</p> <p>(دخترم دختر زن است. آب می آورد، دوغ می زند، آب با هیزم می آورد و لباس های شوهر را می شوید)</p>	<p>ناز کردن به دختر</p>

<p>دام و ددوم دهدر که</p> <p>پشتس بنه سر هر که</p> <p>پشتس که جرم و جاز</p> <p>میرس تيله گراز</p> <p>(مادرم و خواهرم، دخترم است. پشته هیزم را روی</p> <p>هرکه بگذار. پشته ی هیزم دخترم خار و خس است</p> <p>و شوهرش فرزند گراز می باشد)</p> <p>ددر ددر ددرم</p> <p>ددرم تاج سرم</p> <p>ددرم گل نوبرم</p> <p>(دختر دختر دخترم، دخترم تاج سرم است و دختر</p> <p>گل نوبر من است)</p>	
<p>خو خیری برات تا مورم به هیمه</p>	<p>اشاره به کارهای زنانه</p>

بیارم هیمه بلیط خار گینه

(به خواب خوش بروی تا من هیزم بیارم هیزم

بلوط و خار گون)

خوه خیری برات تا میسیم چاست

پزم نون، بیارم او، زئم ماست

(تا موقع عصر، خواب بروی تا نان بپزم، آب بیاورم

و دوغ بزنم)

اله للاثی عزیزمی عزیزم

بخوس رودم وریسدم آرد بویزم

(اله للاثی عزیز من عزیزم، بخواب فرزندم تا بلند

شوم و آرد الک کنم)

کلخننگ و بلیط و بن اوین فراوون

ایروم ایارم ور سی هر دو تامون

(کلخننگ، بلوط و بن فراوان به ثمر رسیده است،

<p>می روم و برای هر دو نفرمان می آورم)</p> <p>تو بگر آرم تا مورم بیارم</p> <p>کلوس و برف و چویل سی لاله زارم</p> <p>(تو آرام بگیر تا من بروم و برف و چویل بیاورم)</p> <p>برای فرزند لاله گونم)</p>	
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--

(قنبری، ۱۳۹۱: ۱۴۸؛ حسین پور، ۱۳۹۱: ۳۴۰-۲۹۰؛ حنیف، ۱۳۸۶: ۲۷)

اشعار مربوط به عروسی

در فرهنگ بختیاری، در جشن‌ها، به خصوص جشن عروسی اشعار مختلفی مانند آلمان آلمان، نی نای، دیمه دیمه، دی گلمی خوانده می‌شود که مهمترین آنها ترانه‌های آهای گل و دوالالی است. ترانه‌های آهی گل و دوالالی، ترانه‌هایی هستند که در عروسی‌ها خوانده می‌شوند و از شادترین و پرهیجان‌ترین ترانه‌های رایج در بین عشایر بختیاری هستند. تفاوت این دو ترانه با هم در نوع آهنگ و در نوع جواب، جواب‌دهندگان در هنگام پایان یافتن آنهاست.

هنگامی که خواننده، ترانه آهی گُلی را به پایان می‌برد، جواب‌دهندگان می‌گویند: «آهی گُل» اما در پایان دُولالی جواب‌دهندگان می‌گویند: «آهی گُلی گُلی گُلی» این ترانه‌ها را دختران و زنان با آواز مخصوصی و به طور دسته جمعی می‌خوانند (خسروی، ۱۳۶۸: ۱۳۹).

جنسیت و وصف داماد

با بررسی صفت‌ها و خصوصیات به کار رفته در اشعار مربوط به عروسی که در وصف عروس و داماد سروده شده‌اند، می‌توان به نگرش، باورها و ارزش‌ها، درباره‌ی ویژگی‌های مطلوب عروس و داماد و نقش زن و مرد در خانواده پی برد. این اشعار، ضمن بازنمایی و بازتاب جایگاه زن و مرد در فرهنگ بختیاری نقش مهمی نیز در نهادینه کردن این جایگاه دارند. از آنجایی که در این نوع اشعار معیارهای مطلوب برای زن و مرد در خانواده به تصویر کشیده می‌شود، آنها باید تلاش کنند خود را با این معیارها نزدیک سازند، بدین ترتیب این باورها در جامعه نهادینه می‌شود. در این اشعار داماد همواره در

عرصه عمومی و اجتماعی به تصویر کشیده می‌شود. وی سخنران و مجلس- نشین است، باسواد بودن مختص اوست و می‌تواند از این امتیاز استفاده کند. شجاعت که لازمه حضور در اجتماع است، اختصاص به وی دارد. مهارت- هایی همچون سوارکار و شکارچی بودن در وی دیده می‌شود و ثروتمند بودن از دیگر خصوصیات است که داماد باید داشته باشد. این امر بدین سبب است که تأمین نیازهای اقتصادی خانواده بر عهده مرد است و اوست که باید با اشتغال در بیرون از خانه این نیازها را رفع کنند.

مفاهیم صفت‌های مردانه در اشعار عروسی نمونه‌های اشعار

<p>مجمله گپ آ... ارشفی و گوشس</p> <p>همچونو که ایدرگنه ایل و طافس وس خش</p> <p>(مجمله بزرگ دوماد گوشه اش اشرفی است و وقتی صدایش بلند می‌شود ایل و طایفه اش شاد می‌شوند)</p> <p>گله گپ آ... سهیدس خو لوله ای</p>	<p>ثروتمند و مالک</p>
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------

درد چینام شاه دوما شمالس حموله ای

گله گپ آ... سسهیس کال رش

دردچینام شاه دوما شمالس کهیش

رهمون دیره رهمون دیره رهمون دیره ناهوار

وای ز بالایی آقا دوما هممون ماشین سوار

(راهمان دور و ناهموار است؛ اما از بالایی داماد ماشین

سوار هستیم)

ای اتاقا ری و قبله خشت نیم خشتس طلا

منس نشست آقا دوما بکنه شکر خدا

(این اتاقهای رو بهدقبله خشت و نیمهد خشتشان از

طلاست. درونش نشست آقا داماد و شکرگزار خداوند

است)

دعوتیمون دعوت و شیر گامون شربت

شیربها دادن داماد

از دولتی آقا دو ما سفرمون پر ناز و نعمت

(مدعوین، دعوت شده‌اند و شربت‌مان از شیر گاو است.
از سعادت و خوشبختی حاصل شده از طریق داماد سفره-
مان پر از نعمت است)

پشت مالمون جاز خشک پیش مالمون جاز خشک

دردس چینم ... نیورداره میش خشک

(پشت خانه ها جاز خشک و پیش خانه ها جاز خشک
درد از پدر عروس دورباد! وی میش خشک در عوض
شیربها بر نمی دارد)

پشت مالمون جاز تر پیش مالمون جاز تر

چه کنیم بو دهدر نیورداره گاو و خر

(پشت مال جاز تر است و پیش مال جاز تر، چه کار
کنم پدر دختر گاو و خر به عنوان شیربها نمی پذیرد)

<p>تیشترک و پازنک ایچرن گم بُسُرح</p> <p>دردچیدم آقا دوما د تیروند و مینا سرح</p> <p>(پازن و بچه یکساله اش بیخ بسرح می چرند؛ اما دوما که بلا از او دور باد مینا سرخی - دختر - را شکار کرد)</p>	<p>شکارچی</p>
<p>بیابین بهرس کنین</p> <p>بیابین بهرس کنین</p> <p>تا پدرس راضی</p> <p>آ ... کدخدا آ قاضی</p> <p>(بیابید کارش را انجام دهید و شیربها و مهریه را تعیین کنید تا پدرس راضی است و فلانی و فلانی نیز کدخدا و قاضی است)</p>	<p>راضی بودن پدر</p> <p>دختر</p>
<p>سر کد شاه دوما خنجر دوکمه نشون</p> <p>ورداششون گو دوما دادس ریگشون</p>	<p>شیربها دادن داماد</p>

<p>(سر کمر شاه داماد خنجر و دکمه دار است. آنها را برداشته و به جای ریگشون داده است)</p> <p>سر کد شاه دوما خنجر دوکمه طلا</p> <p>ورداشتس گو دوما دادس جا شیربها</p> <p>(سر کمر شاه داماد خنجر و دکمه طلا است. آنها را برداشته و به جای شیربها داده است)</p>	
<p>سوار اوی آقا دوما کیف سحر و پیشس</p> <p>ندونم قوا خوسه یا ری گشونه زینسه</p> <p>(آقا داماد سوار شد و کیف سرخ رنگی به پیشس است. نمی دانم قباله خودش است یا ری گشون زنش)</p> <p>کر کچیره آقا دوا پیش ملا میتو</p> <p>جوس وا گل بشورین خس ز گل عزیزتره</p> <p>(آقاداماد پسر کوچکی است که پیش ملای مکتب خانه است. پیراهنش را با گل بشورید که خودش از گل عزیز</p>	<p>باسواد</p>

تر است)	
<p>باروزین بار کنین بار برنج و سوست</p> <p>بارس کرده آقا دوما مابین دشمن و دوست</p> <p>(خرج عروسی را که برنج و سوست است بار کنید. آقا داماد آنها را بین دشمنان و دوستان بار کرده است)</p> <p>مو کری با جرأتم ده تیر و دستم</p> <p>شیربها چهار صد تُمن یه نل اسبم</p> <p>(من پسری شجاع هستم و تفنگ ده تیر در دستم، شیربها چهارصد تومان است و آن را هیچ می شمارم)</p>	شجاع
<p>هی پل بوندن هی پل بوندین چو انار ترکه کنار</p> <p>هی تا بیا به بگذرده شیرم دوما کد هوار</p> <p>پل ببندید، پل ببندید از چوب انار و ترکه کنار تا داماد</p> <p>زیبا اندام بیاید و از آن بگذرد)</p>	زیبایی جسمانی

<p>صد نفر ز کوه دراوی چه ترک و چه ترکمون</p> <p>و نهاسون شاه دوما فرق ریس چی آسمون</p> <p>(صد نفر از ترک ترکمن از کوه پایین آمدند و شاه داماد در جلوی شان و صورتش همچون آسمان است)</p> <p>صد نفر ز کوه دروین چه ترکن چه گندلی</p> <p>ونھاسون شاه دوما فرق ریس چی لنگری</p> <p>(صد نفر ترک و قندلی از کوه پایین آمدن و جلو آنها داماد است که صورتش مثل آینه سفید است)</p>	
<p>هی خان اوید و خان اوید و خان اوید گل گشت</p> <p>هی خان دووا شیرم پیا زونی بزید اوی نشت</p> <p>(خان برای گشت و گذار و تفریح آمده است. خان داماد مانند شیر زانو زد و در مجلس وی نشست)</p> <p>هی خان اوید خان اوید خان اویده سیل رو</p>	<p>مجلس نشین و</p> <p>سخن دان</p>

<p>هی خان پیا شیرم دووا رهدو نشست به گفتگو (خان برای دیدن رود آمده است و خان پیا، شیرم داماد برای گفتگو با وی نشست)</p>	
<p>سوارون سوار اوین شاه دوما کل سوار گرت اوی زینس گرد گم نیزس وا دیار (سوارکاران سوار شدن و داماد اسب دم کوتاهی را سوار شد. گرد زینش را گرفت و نوک نیزه اش پیدااست) سوارون سوار اوین شاه دوما کل سوار دردچینام شاه دوما گم نیزس شیرین (سواران سوار شدند و شاه داماد سوار اسب دم کوتاهی شد. درد از داماد دور باد، نوک نیزه شاه داماد شیرین است)</p>	<p>سوارکار</p>

(عبداللهی، ۱۳۷۲: ۱۱۱؛ حسینی، ۱۳۷۶: ۱۲۴-۱۱۳)

قابل ذکر است داماد شخصیت اصلی در این اشعار است و عروس نقش فرعی دارد که این امر به دلیل فرهنگ مردسالار است. در فرهنگ مردسالار، مرد اصل و زن جنس دوم محسوب می‌شود.

جنسیت و وصف عروس

در ترانه‌های مربوط به عروسی، در مقابل مرد، زن دارای زیورآلاتی است که فرع بر ثروت مرد محسوب می‌شود. از مذهب و باورهای دینی عروس سخن گفته می‌شود؛ در حالی که در توصیف داماد اشاره‌ای به این امر نشده است. این امر ناشی از این است که زنان را مذهبی‌تر از مردان می‌دانند. «زنان بیش از مردان به مذهبی بودن علاقه‌مندند و در امور دینی بیشتر فعالیت می‌کنند.» (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۳: ۲۵) حجب و حیا از عروس انتظار می‌رود و از وی خواسته می‌شود تا آرامش خود را حفظ و احساس امنیت کند. در مقایسه با صفتهای مردان نابرابری جنسی دیده می‌شود. داماد شجاع است؛ ولی برای عروس تأمین امنیت می‌شود. داماد عاقل است؛ اما عروس باید حیا داشته باشد.

داماد سوارکار و شکارچی است؛ اما زن از این مهارت‌ها ندارد و بافنده و آشپز است. داماد مالک و ثروتمند است؛ در حالی که زن تنها زیورآلاتی دارد. نابرابری جنسی به دو صورت خصمانه و عطوفت‌آمیز در جوامع مختلف دیده می‌شود. در نوع اول زنان تهدیدی هستند برای موقعیت مردان و دارای احساسات منفی درباره‌ی زنان است؛ اما در شکل عطوفت‌آمیز شامل باورهای مثبت درباره‌ی زنان است که اساساً زنان را برای نقش‌های زیر دست مناسب می‌سازد (بارون، ۱۳۸۸: ۳۳۶). در فرهنگ بختیاری نیز نابرابری جنسی از نوع عطوفت‌آمیز است. ضمن نقش مثبت داشتن زنان، صفتهای برتر مانند شجاع، جنگجو، صیاد و سوارکار به مردان نسبت داده می‌شود و زنان در عین مثبت بودن جایگاه پایین‌تری دارند.

مفاهیم و صفتهای زنانه در ترانه‌های گل / نمونه اشعار

خانهدار	دا تون ایگم رو تون ایگم حونه داری خو بکن
	سفر سنگین حونه رنگین یه کنیز وابام بکن

<p>(ای مادر و عزیزم به تو می‌گویم خوب خانه‌داری کن. سفرت سنگین باشد خانه‌ات رنگین و زیبا کنیزی نیز همراه من کن)</p>	
<p>سر که سیل ایزنم گل و گلدونه سر دسش و طلا شیرپالس کتونه (سر کوه نگاه می‌کنم گل در گلدان است، سر دستش طلا و شیر پالش از جنس کتان است) خانم عروس خانم عروس مر نداری هوش و گوش عروسیت و کار مخمل راه راه پپوش (ای خانم عروس عروسی تست؛ چرا هوشیار نیستی برو و لباس مخمل راه راه پپوش) مال مون بار کرد مال مون بار کرده وندکول چری چاخ دوما چوی چندل خانم عروس گوی زری (مال مان بار کرد و در کوه چری منزل کرد، چاک</p>	<p>دارنده زیور آلات</p>

<p>داماد از چوب چنندل است و گوی عروس از جنس طلا)</p> <p>بار و بنا خانم چه گون چه طلا</p> <p>سر شونا شاه دوما یا محمد یا رسواالله</p> <p>(وسایل عروس چه گو و چه طلا هستند و سر کتف دوما یا محمد و یا رسول الله نوشته است)</p>	
<p>خانم عروس خانم عروس مر نویدی وا خور</p> <p>عروسیت و کار سر و چادر د ودر</p> <p>(خانم عروس مگر خیر نداری. عروسیت است پس با چادر بیرون بیا)</p> <p>بی وی عروس ناز مک و بند ریته واز مک</p> <p>هر کجا دوما نشینه پر صدا آواز مک</p> <p>(بی بی عروس ناز مکن، نقاب صورت را کنار مزن و هر کجا که داماد می نشیند، صدای بلند مکن)</p>	<p>دعوت به رعایت</p> <p>حجب و حیا</p>

<p>هی موتورچی هی موتورچی چرخ موتورت طلا</p> <p>مین موتور خانم عروس خُ رِ سی کربلا</p> <p>(ای موتورچی، موتورت از جنس طلا. درون موتور</p> <p>خانم عروس نشسته است و می‌خواهد به کربلا</p> <p>برود)</p>	<p>اعتقادات مذهبی</p>
<p>آستاره ریز آستار ریز آستاره دنباله دار</p> <p>غم نخوری خانم عروس صد نفر دینت قطار</p> <p>(آستاره ریز، آستاره ریز، آستاره ریز دنباله‌دار، خانم</p> <p>عروس غم نخور صد نفر به دنبال تو است)</p> <p>که ایما چه خرمة ده نشینم و غمه</p> <p>غم نخوری خانم عروس چار حصارس محکمه</p> <p>(کوه سکونت‌گاه ما، خرم است خانم عروس غم</p> <p>نخور که چهار حصار آن محکم است)</p>	<p>دعوت به آرامش و</p> <p>احساس امنیت</p>

<p>ای حمومی ای حمومی ره حممت کجاست</p> <p>تا بیارم زینه گووم سنگ پاشورس طلاست</p> <p>(ای حمامی، ای حمامی، راه حمامت کجاست. تا زن برادرم را که سنگ پاشورش از طلاست، بیاورم)</p> <p>دهدر دهدر مَر ترسی روزت نوِه</p> <p>یه حمومی سیت بسازم جاس و اندکا نوِه</p> <p>(ای دختر مگر می ترسی روزت نباشد. حمامی برای می سازم که در منطقه اندیکا جایش نشود)</p>	<p>آماده بودن اسباب</p> <p>عروسی</p>
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------

(پوره، ۱۳۸۱، ۱۶۰؛ حسینی، ۱۳۷۶: ۱۲۴-۱۱۳)

جنسیت و سوگ سروده‌ها

سوگ سروده‌ها که عنوان‌های مختلفی چون سرو و گاگریو دارند، اشعاری در بیان عظمت و مهارت‌های فرد متوفی هستند. «سوگ آوازا و آنچه مردمان

ایل، گاگریو می‌گویند عمدتاً بر اساس ویژگی‌های فرد متوفی متفاوت است. بدین منظور، بر اساس این که متوفی زن یا مرد و پیر یا جوان بوده و این که از چه جایگاه و منزلتی در ایل و طایفه‌اش برخوردار بوده است، نوع مفاهیم به کار رفته متفاوت است» (مقصودی، ۱۳۹۳: ۳۲۶). در این اشعار، معمولاً ویژگی‌های مطلوبی که زن و یا مرد به آن دست یافته‌اند، اشاره می‌شود و برای هر شخص ویژگی یا ویژگی‌های خاصی برجسته می‌گردد؛ اما بررسی مجموع آنها نشان‌دهنده این است که در فرهنگ بختیاری چه نوع نگرشی نسبت به این دو جنس وجود دارد.

جنسیت و سوگ سرورده‌های زنانه

در فرهنگ بختیاری برای نشان دادن بزرگی و جایگاه والای زن، صفتهای مختلفی به او نسبت می‌دهند که این صفتهای و کارها با صفتهای مردانه متفاوت است. مهمان‌نواز بودن از مهم‌ترین صفتهای منسوب به زنان در سوگ سرورده‌هاست. از آنجا که در فرهنگ بختیاری مانند بسیاری دیگر از

فرهنگ‌ها زنان را احساسی‌تر از مردان می‌دانند، «این نظر که زنان بیش از مردان احساساتی هستند، پذیرفته شده است» (آیزنک، ۱۳۷۵: ۱۲۸)، صفت-هایی همچون غم‌خوار، رازدار و مهربان، بیشتر اختصاص به آنان دارد. همچنین برای نشان دادن بزرگ بودن زنان به آنها صفت‌های مردانه نسبت می‌دهند و آنها را به مردان مانند می‌کنند. نکته‌ای قابل توجه آن که «زنان با یک مشکل کلیدی مواجه هستند؛ صفاتی که بنا به فرض دارای آنها هستند برای اشخاص دارای پایگاه بالا کمتر مناسب تلقی می‌شوند تا صفاتی که بنا به فرض مردان واجد آنها هستند» (بارون، ۱۳۸۸: ۳۱۶). در فرهنگ بختیاری نیز آن گونه که ذکر شد، تنها برای نشان دادن بزرگی زنان صفت‌های مردانه به آنها نسبت می‌دهند و برعکس آن انجام نمی‌شود. این موضوع یکی دیگر از نشانه-های نابرابری جنسی است که از طریق این نوع اشعار نهادینه می‌شود. دیگر صفت‌های زنان آنها را در حال انجام دادن کارهای خانه به نحو مطلوبی ترسیم می‌کند؛ چنان که زن کدخدای خانه است، در راه خانواده فداکاری می‌کند،

مسئول تربیت فرزندان محسوب می‌شود و کارهای خانه را به بهترین شیوه ممکن انجام می‌دهد.

مفاهیم و صفتهای زنانه در سوگ سرودها نمونه اشعار

<p>بی به سر او، شونده شسته بی به سی گگون خون زیده کشته (بی بی بر سر آب روسری را شسته و برای برادرانش خود را کشته است)</p>	<p>فداکار در راه خانه</p>
<p>کدخدا حونه سی چه نی کنه کار به گمون خاطر اویده بیمار (کدخدای خانه چرا کار نمی‌کند. به گمانم مریض شده است)</p>	<p>کدخدا در خانه</p>
<p>بی دیدم سر چشمه جم زر به دستس او دد به تشنه (بی بی را دیدم سر چشمه که با جام زرین آب به تشنه می‌داد) نه بیوی نون ایپزه به تیر باریک گویلس بهر ایکنن به شو تاریک (بی بی در چوب نان پزی باریک نان می‌پزد و برادرانش در شب تاریک به دیگران می‌دهند)</p>	<p>بخشنده</p>

<p>کی دیده و ره رو گل پیاھی وانیاسون برو مینا سیاھی</p> <p>(کی دیده که گروهی مرد راه بروند و جلو آنان زن مینا سیاھی حرکت کند)</p> <p>مگوهین زنی مُرد چه شاه زنی مُرد کدخدا کلونتر سر لشکری مُرد</p> <p>(نگویید که زنی مرد؛ بلکه شاه زنی مرد. کدخدا، کلونتر و سرلشکری مرد)</p> <p>چی صیاد شو به که به دلم خوف و باک</p> <p>حیف زای با عرضه زن که زیر خاک</p> <p>(مانند صیادی که شب را در کوه با خوف و ترس می گذراند، به دلم ترس آمد که ستم است این زن با عرضه بمیرد)</p>	<p>بزرگ مثل</p> <p>مردان</p>
<p>زینه و میره مالسون به روونه زینه شیر زنه میره رستمونه</p> <p>(زن و مرد مالشان به راه است. زن شیر زن است و مرد رستم است)</p> <p>دو بیوی دو شیرزن دو هم تفاقن</p>	<p>شجاع</p>

<p>نه روز و ن به گردش شوی اتاقن</p> <p>(دو بی بی دو شیر زن و دو دوست که روز به گردش می روند و شب هم اتاق هستند)</p>	
<p>سر میچ اسپید بوی برنج اکنه دم</p> <p>شل شلون مال خمون امشو ابون جم</p> <p>(با سر میچ سفید بی بی برنج می پزد. افراد زیبا اندام خانواده امشب جمع می شوند)</p> <p>ای مردم مال خمون پرس خو مهمون</p> <p>ای دایه تر دست تری جلد پیژ نون</p> <p>(مال خودمان پر از مییمان های خوب است ای مادر تو که چابک دست تر هستی تات پیژ)</p> <p>بی... وری درآر دیگ هزاری</p> <p>گویلت به ره ایان وین وادیاری</p>	<p>مهمان نواز</p>

(بی بی... بلند شو و دیگ بزرگ را درار. برادرانت در راه می آیند و

پیدایشان شد)

ای بیوی برنج بکو باد پسین گویت مهمونتن دیروقت رسیدن

(ای بی بی برنج بکوب که هنگام عصر است. برادرانت مهمانت هستند

و دیر هنگام رسیده اند)

سرزیر اوی بیوی ز بزرگون ایگره مجمع خان ایاره مهمون

(زنی با لیاقت از بزرگان سرازیر شد، مجمع بزرگ را می گیرد و مهمان

می آورد)

ای بیوی برنج بکو باد شمال

گویت مهمونتن دیر وقت مجال

(ای بی بی برنج بکوب که موقع وزیدن باد شمال است و برادرانت

مهمانت هستند و دیر وقت شده است)

بی ... بره بکش بنه به دیگ چی

نه گوت مهمونت با صد تفنگ چی

<p>(بی بی ... بره را بکش و برای پخت در دیگ بگذار؛ زیرا برادرت با صد تفنگ چی مهمانت است)</p> <p>بی بی ... بره بکش بنه به باده</p> <p>نه گووت مهمونت با صد پیاده</p> <p>(بی بی ... بره بکش و در جام بزرگ بگذار؛ زیرا برادرت با صد پیاده مهمانت است)</p>	
<p>ششس تشتی وندس و چندار شده بی ریشه‌ها بسد دار</p> <p>(روسری بی ریشه و مرجان دار. آن را شسته و روی درخت چندار آن را انداخته است)</p> <p>نه بیوی، به ناز شسته دست پاس ور وند بالا بند پیچکاس</p> <p>(بی بی با ناز دست و پایش را شسته و بند پیچک ها را بالا انداخته)</p> <p>بی بی گل رنده باده ره ددنه گا پیچکاسنگین، دستاس هی کنه با</p> <p>(بی بی گل برای دوشیدن گاو ظرف را برداشت و رفت؛ اما از آنجا که پیچک هایش سنگین هستند، دستش ورم کرد)</p>	<p>دارای</p> <p>زیورآلات</p> <p>زنانه</p>

<p>بهار اوید وقت دوشیدن میش</p> <p>پیچکات تنگ دستت ایکنه ریش</p> <p>(بهار زمان دوشیدن گوسفند آمد. پیچکا تنگ هستند و دستت را زخمی می کند)</p>	
<p>نه پل بیوی، چی اورشم خم با دادسه ددوس بوفه چوقا</p> <p>(گیسوه‌های بی بی مانند ابریشم است که آنها را به خواهرش داده تا چوقا ببافد)</p> <p>چشم کال داشتی و برگ شاطرونه بال خونیدی رهدی ز لونه</p> <p>(چشم سیاه داشتی و برگ شاطرونه پرواز کردی و از لانه و آشیانه رفتی)</p> <p>چه زنی چه شاه زنی ترنه چه طوری</p> <p>پوشیه مخمل در گشته به موری</p> <p>(عجب زنی، چه شاه زنی، طره‌های بسیار زیبا داشت. جامه مخملی را پوشید و وارد منطقه موری شد)</p>	<p>زیبایی</p> <p>ظاهری</p>

<p>چه زنی چه شاه زنی ترنه هواری</p> <p>در گشته چم دره ساک کناری</p> <p>(چه زنی، چه شاه زنی با طره های صاف. به چم دره سایه کناری رفت)</p> <p>گیس کمندون ای گیس هات ورکش از او</p> <p>چیری مال بوت ایخو خوره او</p> <p>(زن دارای گیس کمند مانند، موهایت را از آب بیرون بیاور تا اسب زیبای مال پدرت آب بخورد)</p>	
<p>دست گر چینی گرتنه نخوره مار تا دوارته بوینم نقشت به تمدار</p> <p>(دست های بافنده تو را مار نخورد تا دوباره نقش های کشیده شده تو را روی بافنده ها ببینم)</p> <p>به خروس اولی بی بی زنه ماست</p> <p>مشکدو بلغار ملار ز خدنگ راست</p>	<p>ماهر در</p> <p>کارهای</p> <p>زنانه</p>

(صبح زود بی بی دوغ می‌زند. مشکدو او از بلغار و چوب ملارش از
خدنگ است)

نه بیوی گلاب گرید به زیر گیلِس دادسه به ... نهاد به سویلس
(بی بی گلاب را در زیر روسری اش گرفت تا برای آ... ببرد تا
محاسنش را با آن خوشبو کند)

نه بیوی قالی تنید به سر در شاه دستسه کلکیت گره نیله برس جا
(بی بی در سر شاه، قالی می بافید که دسته کلکیت دستش را گرفت و
دردش تسکین نمی یابد)

کلکیت بی... دنده ها هواره

حورج بفت حورجین بفت قالیس و دار

(کلکیت بی بی... دنده های صاف دارد حورج و حورجین را بفت و
قالی نیز به دارش است)

بچیلِت به من حونه ایزنن زار

مهربان

<p>تو چه کردی که واكس نیگرن جا</p> <p>(بچه‌هایت در خانه گریه و زاری می‌کنند. تو چه رفتار محبت‌آمیزی داشته‌ای که با کس آرام نمی‌گیرند)</p> <p>بی مهرون غمخوار گوئل بیو به میلس در بخور سر دسته زنگل</p> <p>(بی بی مهربان غم‌خوار برادران است. به مجلس بیا و بر کار زنان نظارت کن)</p>	
<p>درد دل چی برگ گل پشت بریزم</p> <p>(بنشین تا به تو بگویم. می‌خواهم بروم. اسرار درون را مانند برگ گل پیش تو بریزم)</p> <p>دا بیو و غم خواریم غم خوری ندارم</p> <p>غم خوری چی خوت ز کویه بیارم</p> <p>(مادر برای غمخواری به پیش من بیا که غمخوار ندارم. من غمخواری مانند تو از کجا پیدا کنم)</p> <p>درد دل دارم راز پهمیون</p>	<p>رازدارو غم خوار</p>

<p>داکم اینخوآستم ی جت بی کمون</p> <p>(در دل راز پنهانی دارم مادرم را می خواستم جای خلوتی تا با او درد و دل می کردم)</p>	
<p>بیو و خونت بیو و سر کارت بلاکم خوت بکشی جور عیالت</p> <p>(بی بی به خانه بیا و کارهایت را از سر بگیر جز تو کسی نمی تواند کارهای فرزندان را انجام دهد)</p>	<p>مسئول</p> <p>تربیت</p> <p>فرزند</p>

(داودی، ۱۳۹۲: ۸۱۶؛ حسین زاده، ۱۳۹۳: ۱۳۰-۱۰۳، صالح پور، بی تا: ۳۲)

جنسیت و سوگ سروده‌های مردانه

صفت‌های مردان نیز همان صفت‌هایی هستند که در ترانه‌های نوازشی، لالایی-

ها و اشعار مربوط به عروسی بازتاب یافته بود؛ یعنی شجاع، قدرتمند،

جنگاور، شکارچی و صیاد، سوارکار، مالک، چالاک و زرنگ.

در فرهنگ بختیاری گر چه برخی از تمایز بین صفت‌های برشمرده شده برای زنان و مردان مانند قدرتمند، به تفاوت جسمانی آنها مربوط می‌شود، بیشتر این تفاوت‌ها ناشی از نگرش‌های اجتماعی جامعه است و مبنای طبیعی ندارد.

مفاهیم مردانه در سوگ سروده‌ها نمونه اشعار

شکارچی و صیاد	روزگار اولی اوید به یادم
	آ... کهنه صیاد بید هم قطارم
	(روزگار قدیم به یادم آمد. آ... صیاد قدیمی با من همراه بود)
	آ... شکال اورد یزی و تیشتر
	همسا بهری ای ده ز همه بیشتر
	(آ فلانی شکار بزی و تیشتری آورده است. سهم همسایه را از همه بیشتر می‌دهد)
	تفنگ حسن موسی بست سر بست

<p>پازن به رو زخم میش به سر دست</p> <p>(تفنگ حسن موسی من بست های زیادی دارد که با آن پازن در حال حرکت می زخم و میش را ایستاده شکار می کنم)</p> <p>تفنگم حسن موسی دوربین روسی</p> <p>به سر زرده زیدم پازن الوسی</p> <p>(تفنگ حسن موسی و دوربین آن روسی است و زرکوه پازن سفیدی را شکار کردم)</p> <p>سیل زیدم به زردکوه نهی به خو</p> <p>صیادم آ... تیرس به رو</p> <p>(به زردکوه نگاه کردم پازن نه ساله ای خواب است و صیادم آ... تیرش در حرکت است)</p>	
<p>مال کنون وقت بهار وا با مال</p>	<p>شجاع و قدرتمند</p> <p>و جنگاور</p>

ای دایه وا سر بزن سی رستم زال

(هنگام بهار و در زمان کوچ ای مادر بر سر بزن برای

رستم زال)

مال کنون وقت پاییز نیدم و ابا ایل

ای ددو وا سر بزن سی شیر فامیل

(هنگام کوچ در فصل پاییز با ایل نیستم ای خواهر

برای شیر فامیل بر سر بزن)

مون اگون آ... خورزای شیرون

گرز شلون جنگ آورون سنگر وریزون

(من را آ... خواهرزاده شیران می گویند؛ افراد گرز به

دست، جنگ آور سنگر خراب کن)

اول ز خم بگویند دویم ز تفنگم

سیوم ز لامردونم چهارم ز جنگم

(اول از خودم سخن بگویند و دوم از تفنگ و سوم

از مهمان خانه و چهارم از جنگم)

برنو به دستم بدین فشنگ هر چه دارم

بروم به کهگلو طرح نو درآرم

(تفنگ برنو در دستم است و هر چه فشنگ دارم به

من دهید تا به کهگلویه بروم و نبردی نو آغاز کنم)

مون اگون ... خورزای شیرون

گرز شلون جنگ آورون سنگر وریزون

(من را آ.. می گویند خواهرزاده شیران، گرز سنگین

داران، جنگ آوران و سنگر خراب کن ها)

بریدم برج قله بیاین به تماشا

کار کرده آ... جنگ رضاشاه

(برج قلعه را خراب کردم و به تماشا بیایید. این

مهارت فلانی در جنگ با رضاشاه است)

یکی به اسبم بگو یکی به قطارم

<p>نره شیر زهله نکرد بیا و دیارم</p> <p>(در سوگ من از اسب و قطار فشنگ من سخن بگویی که کس جرأت نزدیک شدن به من را نداشت)</p>	
<p>چی درخت ی لکی اولاد ندارم</p> <p>ایترسم بادی بیا ز ریشه درارم</p> <p>(مانند درخت یک شاخه فرزند ندارم می ترسم بادی بوزد و ریشه من را از خاک بیرون بیاورد)</p>	<p>نگران از فرزند نداشتن</p>
<p>زردکوه یادت و خیر وت نشینم</p> <p>ای گویل وا سر زنین سی اسب و زینم</p> <p>زردکوه بادت خوش باد و خوش روی تو بنشینم. ای برادران بر سر زنین برای اسب و زینم)</p> <p>دو سوا هنی ایان سی سون ونین جا</p>	<p>سوارکار</p>

<p>به گمون خاطر م حالون و خورزا</p> <p>(دو سوار دارند می آیند جایی برای نشستنتشان آماده کنید. به گمان دایی و خواهرزاده هستند)</p> <p>آ... سوار ایا ز ره فارسون</p> <p>... و ... و اباسون</p> <p>(آ... سوار می آید از راه فارسان و ... و... همراهشان است)</p>	
<p>به گويلم بگوهين حق گگويي</p> <p>هر كجا ميلس گرین نومم بگوهين</p> <p>(به برادرانم بگويد حق برادري را ادا کنند و هر كجا مجلس گرفتيد نام مرا ببريد)</p>	<p>مجلس نشين</p>
<p>گا به ملكم منهين اى مردم خویش</p> <p>موييدم صاحا و ملك ملك اويم به درویش</p>	<p>مالك و ثروتمند</p>

<p>(زمین مرا شخم نزنین ای مردم که من صاحب ملک بودم) گله میش آ...، میشون ترکی اشنیدم خان خواستس سی جنگ ملکی (گله گوسفند فلانی، گوسفندهایش ترکی است. شنیدم که خان او را برای قضاوت ملکی دعوت کرد)</p>	
<p>نه گوم برف اخوهه ز لا شنستون همه کس گو خوس چاووک و چستون (برادرم برف می خواهد از دره شنستان. همه افراد می گویند خودش می تواند بیاورد که چابک و چست است)</p>	چالاک و زرنگ
<p>گورم سیلا کنین ایل به روشته بنیرم به بچیلیم به چه زهشته</p>	حامی خانواده

<p>(مزارم را سوراخ کنید، هنگام کوچ ایل تا بینم فرزندانم به چه شکلی هستند)</p>	
<p>آ... وری مخوس ایل خو کنه بار طایفه بی حرف خت هیچ نیکنه کار (آ... بلند شو و مخواب که ایل می خواهد کوچ کند؛ زیرا طایفه بدون دستور تو کاری انجام نمی دهد) نه خانای که ایرون بیو و دینسون هر کدوم کج ایگهن بده نهیو سون (خانای که می روند به نبالشان برو و هر کدامشان حرف بد می زنند، بر آنها داد بزن)</p>	<p>کدخدای ایل</p>
<p>کدت باریک بلند باو کمر بند بمیرن دات و ددود سیت نکردن نظر بند (کمرت باریک و بلند مناسب کمر بند است، مادرت و خواهرت بمیرند که چشم زخم برایت درست</p>	<p>زیبایی جسمانی</p>

نکردند)

آ .. ز ره ایا نارنجی به جیوس

چی طلا برچ ایزنه ریش و سویلس

(آ... از راه می آید و نارنجی در جیبش است. مانند

طلا ریش و سبیلش برق می زند)

(داودی، ۱۳۹۲: ۸۱۶؛ حسین زاده، ۱۳۹۳: ۱۳۰-۱۰۳)

فصل سوم

--جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های فرهنگ بختیاری

در ضرب‌المثل‌های مورد بررسی، درباره‌ی زنان سه نگرش وجود دارد: در برخی از ضرب‌المثل‌ها، زنان مقامی پایین‌تر از مردان دارند و نگرشی منفی نسبت به آنها دیده می‌شود. در ضرب‌المثل‌های دیگر، زنان مقامی فراتر از مردان می‌یابند و نگرش به آنها مثبت است و گروهی از ضرب‌المثل‌ها، نشان‌دهنده مقام برابر زنان با مردان در فرهنگ بختیاری است که با رویکرد نقد فمینیستی این سه نگرش بررسی می‌شوند:

-فرودستی زنان

هنگامی که سخن از جایگاه اجتماعی افراد به میان می‌آید و مباحث حوزه اجتماعی و عمومی مطرح می‌شود، در ضرب‌المثل‌ها، به فرودست‌تر بودن جایگاه اجتماعی زنان اشاره می‌شود. معمولاً در این ضرب‌المثل‌ها، زنان جنس

فرو دست محسوب می‌شوند و مردان فرادست هستند؛ چنان که در ضرب-

المثل:

دنیا که انگل و نگل صلا پیاپیل دست زنگه

دنیا که به هم ریخته (نظمش به هم خورده)، اختیار به دست زن-

هاست (قنبری، ۱۳۸۱: ۳۸۰)

به این موضوع اشاره شده است. در جامعه‌ای که اختیار امور به دست زنان باشد، هنجارهای آن جامعه-جامعه مردسالار- به هم خورده است؛ بنابراین ارزشی برای آن جامعه نمی‌توان قائل شد؛ چرا که صاحب اختیار شدن زنان، باعث به هم خوردن تعادل طبیعی نظم حاکم-مردسالاری- می‌شود. این ضرب‌المثل نیز مفهومی طنزآمیز دارد و به گونه‌ای نارضایتی فرهنگ مردسالار را به تغییرات به وجود آمده در جامعه، نشان می‌دهد.

«چه پیاپی که ز زینه کَمتره

چه مردی است که از زن کمتر است» (همان: ۲۹۴)

این ضرب‌المثل نشان می‌دهد که در فرهنگ بختیاری، مردان از نظر جایگاه اجتماعی برتر و بالاتر از زنان هستند و مردانی که لیاقت و شایستگی لازم را نداشته باشند، فرودست‌تر از زنان شمرده می‌شوند.

«ز زینه کمترم»

از زن کمتر هستم» (همان: ۴۱۷)

بر اساس دیدگاه‌های مردسالارانه در فرهنگ بختیاری، زن جایگاه اجتماعی بسیار پایین‌تری از مرد در اجتماع دارد؛ بنابراین برای نشان دادن جایگاه اجتماعی پایین مردان، آنها را با زنان می‌سنجند و بدین طریق جایگاه اجتماعی افراد را نشان می‌دهند. پیام این ضرب‌المثل نیز این است که زن آن اندازه فرودست شمرده می‌شود که مردان برای نشان دادن حتمیت و قطعیت خود در کار، می‌گویند اگر در اقدام به کار خود کوتاهی ورزم و آن را انجام ندهم، از زن کمتر هستم.

«زیننه نه ناز بکش نه گوش وس بگر»

نه ناز زن را بکش و نه به سخنش گوش بده» (همان: ۴۳۳)

مفهوم این ضرب‌المثل این است که نباید مطیع زن بود. با توجه به این که در فرهنگ بختیاری، مرد جایگاه اجتماعی بالاتری نسبت به زنان دارد؛ بنابراین مردان نباید در کارهای خود به خصوص کارهایی که مربوط به حیطه عمومی و بیرون از خانه است، مطیع زنان باشند. کار زن مختص به حیطه خصوصی و خانه است و سخن گفتن او از حیطه عمومی، سبب می‌شود او به حوزه‌هایی وارد شود که مردانه است. این امر مطلوب جامعه مردسالار نیست و به شکل‌های مختلف از جمله تحقیر کردن، کوشیده می‌شود تا جلوی آن گرفته شود؛ بنابراین همواره از مردان خواسته می‌شود اجازه ندهند زنان‌شان بر خلاف موازین مردسالارانه جامعه عمل کنند و ارزش‌های فرهنگ مردسالار را نادیده بگیرند. این که مردان مطیع زنان باشند و کارهای‌شان را بر اساس خواسته آنها انجام دهند، نشانگر ورد زنان به حیطه‌های عمومی است؛ چرا که کار مرد در

بیرون از خانه است و سخن‌شنوی از زنان، به معنی ورود زنان به این حیطه است؛ بنابراین مردان از طریق ضرب‌المثل‌ها، از این امر نهی شده‌اند:

«پیا نوا گوشگر زن بو»

مرد نباید مطیع زن باشد» (همان: ۲۲۷)

در این ضرب‌المثل نیز از مردان خواسته شده است مطیع زنان نباشند. حرف‌شنوی از زن، امری نامطلوب جلوه داده شده است؛ بدین صورت، این باور در فرهنگ بختیاری نهادینه می‌شود که زن، جنس فرودست جامعه است و هر کس با او مشورت کند، هم ارزش با او قلمداد می‌گردد. این مفهوم نیز به شیوه‌های دیگر از جمله به شکل دعایی و طنزآمیز بیان شده است؛ چنان که گفته می‌شود:

«ذلیل زن مبای»

ذلیل زن نشوی» (همان: ۳۹۲)

آن‌گونه که در ضرب‌المثل‌ها انعکاس یافته، سپردن کارهای مهم به دست زنان، کار ناشایستی شمرده شده است؛ بدین سبب تلاش می‌شود به گونه‌های مختلف جلوی این امر گرفته شود.

«اهلکاری پدره که مادر رهگذره

اصل پدر است که مادر رهگذر می‌باشد» (صالح‌پور، ۱۳۸۵: ۳۳۰)

اصالت و نژاد داشتن، یکی از ارزش‌های مهم در فرهنگ بختیاری است. داشتن اصالت موجب می‌شود تا فرد جایگاه اجتماعی بالایی داشته باشد. در فرهنگ بختیاری که خانواده‌ها پدرسالار و مردسالار هستند، اصالت به پدر داده و پایگاه اجتماعی فرد با پدر سنجیده می‌شود تا مادر. بر این اساس است که در ضرب‌المثل‌ها به پدر اهمیت داده می‌شود و مادر رهگذر خوانده می‌گردد.

-فراستی زنان

در بعضی از ضرب‌المثل‌ها، زنان از جایگاه بالایی برخوردار هستند و حتی ارزش آنها بیشتر از مردان دانسته شده و شخصیت مرد وابسته به آنها توصیف شده است. در ضرب‌المثل‌های فرهنگ بختیاری، این جایگاه هنگامی به زن داده می‌شود که سخن از مسائل درون خانواده است. گویی این ویژگی مثبت را جامعه مردسالار به این دلیل به زنان داده است تا آنها ترغیب شوند به کارهای درون خانه بپردازند؛ بنابراین می‌توان گفت این ارزش قائل شدن برای زنان، به معنای برهم زدن ارزش‌های حاکم بر جامعه مردسالار نیست؛ بلکه به نوعی این جایگاه به زنان داده شده است تا قواعد حاکم بر جامعه مردسالار حفظ شود. مطابق معیارهای جامعه مردسالار، جای زن در خانه و پرداختن به کارهای درون خانه است. اگر زن این وظایف را انجام دهد، او نمونه یک زن خوب است و حتی برتر از مرد دانسته می‌شود. در این فرهنگ، زن باید به کارهایی مانند تربیت فرزندان بپردازد تا با این کارهای خود، جایگاه اجتماعی شوهرانشان را بالا ببرد؛ به گونه‌ای که در ضرب‌المثل:

«آستره که رینه او اداره

آستر است که قسمت روی را محکم نگه می‌دارد» (قنبری، ۱۳۸۱: ۷۷)

ارزشمند بودن مرد و ایسته به زن دانسته و بیان شده است این زنانند که موجب جایگاه اجتماعی یافتن مردان می‌شوند. در این ضرب‌المثل، آستر نمادی از شخصیت زن است و قسمت روی مظهر مردان است که پایداری، شهرت و اقتدار قسمت رو یعنی مرد، به آستر-زن- نسبت داده شده است. مفهوم این ضرب‌المثل نشان می‌دهد، اگر زن خوب باشد مرد می‌تواند رشد یابد و صاحب جایگاه و منزلت شود و چنانچه زن خوب نباشد، مرد هر چند خوب باشد، به جایگاهی دست نخواهد یافت.

«حونه خو ز زینه

خانه خوب از زن است» (همان: ۳۲۴)

در این مثل بیان شده که اساس و قوام خانواده منوط به بودن یک زن خوب در آن است. زن است که موجب می‌شود یک خانواده سالم باشد و پایدار بماند؛ بنابراین در این ضرب‌المثل نیز نشان داده شده است که مرد در مسائل درون خانواده بختیاری در خوب یا بد بودن آن نقشی ندارد و تنها زن است که می‌توان تأثیرگذار در این زمینه باشد. این ضرب‌المثل نیز نقش ترغیبی برای زنان دارد تا وظیفه خود را در خانه به بهترین شیوه ممکن انجام دهند.

دستم بشکنده بهدر ز پامه بوم بمیره بهتر از دامه

«بهتر است دستم بشکند نه پای و پدرم بمیرد نه مادرم» (همان: ۳۷۳)

در خانواده بختیاری، مادر بهتر از پدر در تربیت فرزندان و برطرف کردن نیازهای آنها می‌تواند مؤثر واقع شود. همچنین از مادر انتظار می‌رود به تربیت فرزندان پردازد و آنها را ناز و نوازش کند؛ بدین سبب است که در ضرب-المثل بالا، جایگاه زن بالاتر از جایگاه مرد تصویر شده است.

-برابری زن با مرد

در برخی از ضرب‌المثل‌ها نیز زن و مرد از جایگاه برابری برخوردار هستند و این هنگامی است که به صورت کلی از زندگی و مباحث عام آن، سخن گفته می‌شود؛ برای نمونه در ضرب‌المثل:

«دنیا ز زینه و میره برقرار

دنیا از زن و مرد برقرار است» (همان: ۳۸۰)

بیان شده است که حضور زن و مرد با هم، برای ایجاد زندگی نیاز است و بدون این دو جنس، نمی‌توان گفت دنیا وجود دارد. زندگی در دنیا با حضور مشترک و مشارکت زن و مرد شیرین و برقرار است و نبودن یکی به معنی از هم‌پاشیدن زندگی دنیوی است. در بین همه‌ی انسان‌ها از هر قشر و طیفی و از هر جنس و سنی، هم انسان خوب دیده می‌شود و هم انسان بد. بر این اساس گفته می‌شود:

«زن و مرد خو بد داره

زن و مرد خوب و بد دارند»(همان: ۳۸۰)

پیام این ضرب‌المثل این است که از نظر خوب و بد بودن، بین دو جنس تفاوتی نیست و از این که در بین هر دو جنس انسان خوب و بد دیده می‌شود با هم برابر هستند.

«زینه و میره توه سرد و گرم

زن و مرد مانند تابه ی سرد و گرم هستند»(همان: ۴۳۴)

در این ضرب‌المثل، از برابر بودن جایگاه زنان و مردان در زندگی خانوادگی سخن گفته و بیان شده است برای داشتن یک خانواده سالم هم به زن نیاز است و هم به مرد و هیچ کدام را بر دیگری برتری نیست.

-تقابل بین صفت‌های قایل شده برای زنان و مردان و انتظارات از آنان

بررسی صفت‌های نسبت داده شده به زنان و مردان، در هر جامعه‌ای نقش خاصی دارد؛ چرا که از طریق این صفت‌ها، می‌توان نگرش هر جامعه‌ای را نسبت به هر یک از دو جنس شناخت. در ضرب‌المثل‌های مورد بررسی،

صفت‌های مثبت به مردان بیشتر نسبت داده شده است و از آنها نقش فعالی انتظار می‌رود. از مردان خواسته می‌شود تا به کار بیرون از خانه بپردازند تا درون خانه. آنها نباید درون خانه بمانند؛ بلکه مرد باید در خارج از خانه به کار مشغول شود:

«پیا کرکی بدرد نی خوره»

مرد لانه‌ای ارزشی ندارد» (همان: ۲۲۷)

نه تنها مرد نباید در خانه بماند؛ بلکه نباید با زنان همنشینی کند تا خوی زنانه در آنها تأثیر نکند:

«پیا نوا زنونه بو»

مرد نباید زنانه باشد» (همان)

جای مردان شرکت در مجالس و امور اجتماعی است:

«پیا وا میلیسی بو»

مرد باید مجلسی باشد» (همان: ۲۲۹)

حل مسائل و اختلافات اجتماعی از مردان انتظار می‌رود و از آنها خواسته می‌شود تا به نزاع‌ها و خشونت‌ها پایان دهند:

«پیا وا تش کور کن بو»

مرد باید آتش خاموش کن باشد (همان: ۲۲۸)

همچنین از ویژگی‌های یک مرد است که مشکلات به وجود آمده در اجتماع را حل کند:

«پیا وا کار ویک ون بو»

مرد باید کار به هم انداز باشد (همان)

دانا و بخشنده بودن نیز از دیگر ویژگی‌هایی هستند که از مردان انتظار می‌رود:

پیا وا دانا بو

مرد باید دانا باشد

پیا وا دست و دل واز بو

مرد باید دست و دل باز باشد» (همان)

از همین تعداد ضرب‌المثل می‌توان نتیجه گرفت که در فرهنگ بختیاری، اجتماع و حیطة عمومی، فضایی مردانه محسوب شده است و صفتهای منسوب به مردان، صفتهای مثبت است و انتظار از آنها، این است که در حوزه اجتماعی و بیرون از خانه، نقش پر رنگی داشته باشند..

در مقابل صفتهای نسبت داده شده به زنان یا منفی است یا صفتهایی است که نسبت به مردان، کم ارزش‌تر قلمداد می‌شوند. از آنها انتظار می‌رود به کارهای درون خانه بپردازند و انجام چنین کارهایی را به نحو مطلوب یاد بگیرند. از آنها خواسته می‌شود در حیطة خصوصی بمانند و کاری به فعالیت اقتصادی و اجتماعی بیرون از خانه و حیطة عمومی نداشته باشند؛ همان‌گونه که در ضرب‌المثل زیر دیده می‌شود:

«مرد مردکاره زینه زینه حونه

مرد مرد کار است و زن زن خانه» (همان:۶۰۲)

در این ضرب‌المثل تقابل بین حیطة عمومی و خصوصی به بهترین وجه نشان داده شده است. مرد باید به کار پردازد و زن باید کارهای درون خانه را انجام دهند؛ البته این امر مخصوص به فرهنگ بختیاری نیست و تا پیش از آشنایی با اندیشه‌های مدرن و غربی این ویژگی فرهنگ ایرانی نیز محسوب می‌شد: «در کشوری مانند ایران گرایش زنان به اشتغال همگام با دسترسی بیشتر آنان به سازمان‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) در طی مدتی بالنسبه کوتاه در اغلب شهرهای بزرگ شدت یافت» (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۲۰۵) و تا پیش از این، جایگاه زن در خانه و در پس پرده بوده است. در ضرب‌المثل‌های مورد بررسی، معمولاً دید مثبتی نسبت به کارهای بیرون از خانه زنان وجود ندارد. زنان، آشنایی با کارهای اقتصادی و اجتماعی ندارند؛ بدین سبب و برای مردانی که دانش کافی برای انجام کاری ندارند، گفته می‌شود:

«چند یه زینه کار ندونه

به اندازه یک زن کار نمی‌داند» (قنبری، ۱۳۸۱: ۲۸۹)

البته این ناآگاهی زنان در انجام کار ریشه ذاتی ندارد؛ بلکه خواست فرهنگ جامعه مردسالار از زنان است که آنها را مجبور به ماندن در خانه می‌کند. این مسأله موجب می‌شود تا زنان نتوانند مانند مردان با کارها آشنا شوند. همچنین در فرهنگ بختیاری نیز مانند دیگر فرهنگ‌های مردسالار، برخی از کارها مختص به زنان است و مردان بسیار کم به این کارها می‌پردازند تا زنانه جلوه نکنند:

«بتی سه کار به یکار کن او ون، چلفته چین، خش و وش کن

خاله‌ای که سه کار با هم انجام می‌دهد: آب آوردن و هیزم جمع کردن و

احوال پرسی انجام دادن» (همان: ۱۶۴)

این ضرب‌المثل درباره‌ی افرادی به کار می‌رود که می‌خواهند چند کار را با هم انجام دهند؛ اما کارهای منتسب به زنان را از آن نیز می‌توان فهمید. در فرهنگ

بختیاری، آب آوردن و هیزم جمع کردن از کارهای مختص به زنان است که از نظر مردان دید منفی نسبت به آنها وجود دارد.

یکی از ویژگی‌های زن در جوامع سنتی و مردسالار، این است که زن به مثابه کنیز شوهر خویش است و وی نباید از گفته‌ی شوهر سرپیچی کند. اخلاق زن فقط با میزان احترام او به شوهر سنجیده می‌شود (مقال، ۱۳۶۸: ۷۲). در این ضرب‌المثل‌ها نیز انتظاری که از زنان می‌رود، این است که باید مطیع شوهران-شان باشند:

«زینہ وا مطیع مرد بوهه

زن باید مطیع شوهر باشد» (قنبری، ۱۳۸۱: ۴۳۵)

از دیگر موضوع‌های مطرح در ضرب‌المثل‌ها، بحث تربیت فرزندان است. از زنان خواسته می‌شود در خانه بمانند و فرزندان را تربیت کنند. قابل ذکر است در جوامع سنتی، یکی از کارکردهای خانواده، آموزش و تربیت اعضاء و فرزندان خود بوده است (محسنی، ۱۳۷۹: ۳۰۲) و این وظیفه بیشتر بر عهده زنان است:

«تربیت بچه وا دایه

تربیت فرزند با مادر است» (قنبری، ۱۳۸۱: ۲۴۸)

صفت‌های مطلوبی به زنان نسبت داده شده است که البته زنان را در اجتماع بیشتر، منفعل می‌کند. از جمله این صفت‌های مطلوب نجابت، شرم و حیا است:

«زینہ وا نجیم و با شرم بوهه

زن باید با نجابت و شرم باشه» (همان: ۴۳۴)

در بیشتر فرهنگ‌ها، زنان به عنوان جنس احساساتی شناخته می‌شوند. در فرهنگ بختیاری نیز چنین است و صفت‌هایی مانند محبت و وفا را به زنان نسبت می‌دهند:

«دهدر وفاس بیشتر

دختر وفایش بیشتر است» (همان: ۳۸۷)

بیشتر صفت‌های منفی را به زنان نسبت می‌دهند. شیطنت، مکر و فریب و ناقص العقل بودن صفت‌های مختص به زنان است:

«زن شیطونه: زن شیطان است» (همان: ۴۲۳)

در برخی از این مثل‌ها، زن به عنوان جنسی که بهره هوشی پایینی دارد، به تصویر کشیده شده است:

جاهل علقس نوک سرس زینه هم علقس نوک پاس

مرد جوان عقلش فرق سرش است و زن پاشنه‌ی پایش است (همان: ۲۷۰)

در این ضرب‌المثل، جوانان هم مانند زنان ناقص‌العقل توصیف شده‌اند؛ اما زنان از نظر داشتن عقل، در مرتبه‌ای پایین‌تر از جوانان دانسته شده‌اند. طمع صفتی خاص زنان دانسته شده است:

«زنگل طمع کارن»

زنها طمع کار هستند» (همان: ۴۲۴)

این نگرش کلیشه‌ای جنسی که زن از پهلوی چپ مردان آفریده شده است، در این مثل‌ها دیده می‌شود و بدین سبب کارهای ناپسند را به زنان نسبت می‌دهند:

«زینه ز پهلوی چپ، ز پهلوی چپ اورسته

زن از پهلوی چپ است از پهلوی چپ بر می‌خیزد» (همان: ۴۳۲).

سخن‌چینی که از رذایل اخلاقی محسوب می‌شود، به زنان نسبت داده شده است:

«چورویی کار زنگله

غیبت و سخن‌چینی کار زنان است» (همان)

در این مثل، به صورت غیرمستقیم از مردان خواسته می‌شود که غیبت نکنند؛ چرا که سخن‌چینی و غیبت، کاری زنانه است و کسی که بدین کار دست می‌زند، زنانه جلوه می‌کند. در بیشتر فرهنگ‌ها زن را جنس ضعیف دانسته‌اند و در فرهنگ بختیاری نیز این موضوع انعکاس یافته است:

خان تو مونه بزن مو ارم زینه شاه علیشانه از نم

ای خان تو مرا بزن من زن شاه علیشاه را می‌زنم (همان: ۳۲۹)

در این ضرب‌المثل، زن جنس ضعیف به حساب آمده است و برای نشان دادن سلسله زورگویی، مرد قدرتمندتر و زن ضعیف‌تر دانسته شده است یا در ضرب‌المثل:

حونه خدانه که میهمون اگرس غر به زینه از نه

صاحب‌خانه را که مهمان می‌آید با زنش دعوا می‌کند (همان: ۳۲۳)

نشان داده شده است که زن ضعیف‌ترین شخص در خانواده است که هر گونه مشکلی پیش بیاید مرد با او دعوا می‌کند و مشکلات را از چشم او می‌بیند. همچنین زنان مظهر بی‌ثباتی و غیر قابل اطمینان بودن هستند:

به حرف زن و افتو زمستون اطمینون نکن

به حرف زن و آفتاب زمستان اطمینان نکن (همان: ۱۹۲)

پیام این مثل، این است که سخن زنان مانند آفتاب زمستان ناپایدار است و در نتیجه با زنان نباید مشورت و به آنان اطمینان کرد. در بسیاری از ضرب‌المثل‌های بختیاری نه تنها صفت‌های منفی به زنان نسبت داده می‌شود؛ بلکه برای کارهای ناشایست، از ضرب‌المثل‌هایی استفاده می‌شود که شخصیت محوری در آنها، زنان است یا این که ضرب‌المثل‌ها بر اساس زندگی آنها ساخته شده است.

«چی دهدر و دا خال کو»

مانند دختر و مادر خالکوب» (همان: ۲۹۹)

این ضرب‌المثل برای افرادی به کار می‌رود که در اندیشه خود و نزدیکان خود هستند و نیکی کردن به دیگران را فراموش می‌کنند. مادر خالکوب در این ضرب‌المثل، شخصیتی است که از سادگی دختری استفاده می‌کند و بعد از ازدواج با پدرش، با بد ذاتی به آزار و اذیت او می‌پردازد؛ بنابراین این مادر نمادی از انسان‌های بد ذات و بدجنس است و دیده می‌شود که برای مثال زدن در این زمینه منفی، از شخصیت زنان استفاده می‌شود.

«زینه ز خیزی اوی سر میرنه اشکند

زن از زناکاری برگشت سر شوهر را شکست» (همان)

کاربرد این ضرب‌المثل در مواقعی است که فردی خود خطاکار است؛ اما قیافه‌ی حق به جانب می‌گیرد. در این مثل نیز شخصیت محوری و منفی، زن است. برای بیان موضوع حواس‌پرتی افراد نیز به داستان‌های زنان استناد می‌شود:

«جور زینه کر و کول

مانند زن بچه بر پشت» (۲۷۸)

برای نمونه آوردن در مورد بی‌نظمی به خانه پیرزنان مثال زده می‌شود:

حونه دالو زهرا یه قلس به صحرا

خانه پیرزن زهرا نصفش به بیرون است (همان: ۳۲۴)

خانواده و مسائل آن در ضرب‌المثل‌ها

خانواده یکی از مهمترین نهادهای هر جامعه است. «خانواده مرکب از افرادی است که بر اساس ازدواج خویشاوندی یا پذیرش فرزند به دور هم جمع می‌شوند. افراد خانواده عبارتند از: زن و شوهر، والدین و فرزندان و برادران و گاهی خدمتکاران» (فرید، ۱۳۸۳: ۱۶۷). یکی از مهمترین مسائل مطرح در ضرب‌المثل‌های بختیاری، موضوع ازدواج است. مشکلات ازدواج، ویژگی‌های مطلوب زوج، توانایی‌های آنها در اداره زندگی، از جمله مسائل مطرح در این ضرب‌المثل‌ها است. مخارج سنگین ازدواج همواره مانعی بر سر راه افرادی بوده که می‌خواسته‌اند ازدواج کنند:

«زینه استیدن آسونه دینگلا دینگوس گروه

زن گرفتن ساده است؛ اما بشکن بشکنش گران است» (قنبری، ۱۳۸۱: ۴۳۱)

پیام این ضرب‌المثل، این است که ازدواج کردن ساده است؛ اما مخارج جانبی است که مانع ازدواج می‌شود. در ضرب‌المثل‌ها همچنین ویژگی‌های یک زن مطلوب برای ازدواج بیان شده است. یکی از این خصوصیات، این است که زن دارای اصالت و مادرش کدبانو باشد:

«انار ز اناردون، انگیر ز رز رو دهدر شخص بستون که داس کیونو بو
انار از اناردان و انگور را از رز بگیر و با دختر شخصی ازدواج بکن که
مادرش کدبانو باشد» (همان: ۱۳۲)

شناخت به خصوص شناخت خانواده زن، یکی از کارهای مهم پیش از ازدواج است که هر شخصی می‌بایست آن را انجام دهد؛ برای نمونه در مثل زیر نیز از مردان خواسته شده است اول مادر دختر را خوب بشناسد و بعد با دختر او ازدواج کند:

«دانه بوین، ددر بستون

مادر را بین بعد با دختر ازدواج کن» (صالح پور، ۱۳۸۵: ۸۶)

زیرا دختر تحت تأثیر تربیت مادر قرار می‌گیرد و از نظر شخصیتی مانند مادرش است:

«ددر و دا ایبره گور و گا

دختر هم‌رنگ مادرش می‌شود و گوساله با گاو هم‌رنگ می‌گردد»

وظیفه دختران نیز تا پیش از ازدواج حفظ عفت و نجابت است؛ زیرا همین امر موجب می‌شود آنها زودتر ازدواج کنند:

«بشین چی شاه زنون بخت ایا ناگهون

مانند شاه زنان بنشین بخت ناگهان باز می‌شود» (قنبری، ۱۳۸۱: ۱۷۹)

آن‌گونه که در ضرب‌المثل‌ها نشان داده شده است، در فرهنگ بختیاری، داشتن جهیزیه یکی از مزیت‌های مهم برای هر زنی است:

«ای ددومی نازت ور جهازت

ای خواهرم نازت به جهازت است» (همان: ۱۵۰)

بنابراین از زن انتظار می‌رود که جهازیه مناسب داشته باشد تا بتواند بعد از ازدواج بر خود افتخار کند و زندگی راحتی داشته باشد. ضرب‌المثل‌های زیادی درباره‌ی وظایف زن در خانواده، در فرهنگ بختیاری وجود دارد؛ برای نمونه در ضرب‌المثل زیر:

«تیل که هایه نا، ز داس گفته

جوجه که تخم گذاشت از مادرش بزرگ‌تر است» (همان: ۲۶۸)

از زنان خواسته می‌شود بعد از ازدواج، رفتاری پخته از خود نشان دهند و به تمام مسائل زندگی اشراف داشته باشند تا زندگی آنها با مشکل مواجه نشود. همچنین از زنان خواسته می‌شود بعد از ازدواج با شوهر خود چندان غرو لند نکنند؛ چرا که سرزنش کردن و نق زدن، موجب ملالت و دلزدگی در زندگی خانوادگی می‌شود:

«زینہ غرغرو آدمہ ز زندگی سیر ایکنہ

زن غرغرکنان آدم را از زندگی سیر می کند» (همان: ۴۳۲)

کسب تجربه و یادگیری وظایف زن در نهاد خانواده، یکی دیگر از مفاهیم مطرح در ضرب‌المثل‌های بختیاری است؛ برای نمونه در مثل زیر از نوعروس خواسته می‌شود از تجربه‌های دیگران در زندگی مشترک استفاده کند و در این زمینه بی‌اطلاع نباشد:

«بگو در ار بهیگ نبیدی بهیگون مالم نیدی

بگو ای دختر اگر عروس نبودی عروس‌های دیگر را هم ندیدی»

(همان: ۱۸۱)

پیام این ضرب‌المثل، این است که زن باید بداند در خانواده چه وظایفی بر عهده دارد و در این زمینه از تجربه‌های دیگران استفاده کند. ساختار خانواده دارای تنوع گسترده‌ای است که یک شگل آن چند زنی است. در این نوع ازدواج، یک مرد با چند زن ازدواج می‌کند (کوئن، ۱۳۷۸: ۱۲۷). در این

ضرب‌المثل‌ها، مهمترین شکل خانواده تک همسری دانسته شده است و به شکل‌های مختلف چند زنی مذموم دانسته شده است؛ برای نمونه در ضرب‌المثل:

اخوی او زینه پزی

می‌خواهی آب زن پیزی»(همان: ۸۵)

امری نامطلوب توصیف شده است و با نامطلوب جلوه دادن این امر، مردان را از چند همسرگزینی بر حذر داشته‌اند

نتیجه‌گیری

جنسیت، از عوامل تأثیرگذار در اشعار عامیانه به خصوص در فرهنگ بختیاری است؛ به گونه‌ای که با توجه به این عامل، اشعار را می‌توان به دو دسته تقسیم

کرد: اشعاری که هویت زنانه را به تصویر می‌کشند و اشعاری که بازتاب دهنده‌ی خصوصیت‌های مردانه هستند.

در این اشعار، زنان در عرصه خانه به تصویر کشیده می‌شوند که نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی همچون ازدواج، چند همسری و بازگشت شوهر به خانه را دارند و مهربان، غمخوار، رازدار، مسؤل تربیت فرزند، خانه‌دار، آشپز، مهمان‌نواز، مذهبی، در پس پرده بودن، فداکار در راه خانه و خانواده، زیبا و دارنده‌ی زیور آلات، صفات و کارهای مطلوب منسوب به آنان است. مردان در عرصه اجتماع حضور دارند و دارای صفت‌هایی همچون مجلس‌نشین، سخنران، صیاد، جنگجو، باسواد، صاحب املاک، کدخدا، شجاع، عاقل و زرنگ هستند. بررسی این صفات نشان‌دهنده وجود نابرابری جنسی در فرهنگ بختیاری است که به صورت عطف‌آمیز است؛ یعنی این که نسبت به صفات و کارهای مربوط به زنان نگاه مثبتی وجود دارد؛ اما در مقایسه با کارهای مردانه ارزش کمتری برای آنها قایل می‌شوند. معمولاً برای نشان‌دادن بزرگی زنان صفات‌های مردانه به آنها نسبت می‌دهند؛ اما برای مردان از صفات‌های زنانه

استفاده نمی‌شود که این امر نشان‌دهنده وجود نابرابری جنسی در این فرهنگ است. اشعار عامیانه نه تنها این نابرابری جنسی و اجتماعی را بازنمایی می‌کند؛ بلکه در نهادینه کردن این امر، نقش مهمی دارند. در این اشعار مطلوب‌ها برای زنان و مردان به تصویر کشیده می‌شود و به صورت غیرمستقیم افراد تشویق می‌شوند تا این ارزش‌ها را بیاموزند و خود را با آنها سازگار کنند. زنان صفت-های مطلوب زنانه را می‌آموزند و مردان کارهای مردانه را و بدین ترتیب نابرابری جنسی استمرار می‌یابد.

با وجود این که زن نقش مهمی در مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در قوم بختیاری داشته است، در ضرب‌المثل‌ها، این نقش زنان نادیده گرفته شده و مسائل دلخواه فرهنگ مردسالار انعکاس یافته است. در این ضرب‌المثل‌ها برای زنان در مقایسه با مردان، سه جایگاه در نظر گرفته شده است: برابر، برتر و فرودست‌تر. وقتی که سخن از مسائل کلی و عام بشری است، در بیشتر مواقع مقام زن با مرد برابر است. هنگامی که از مسائل اجتماعی سخن به میان می‌آید، مقام پایینی برای زن در نظر گرفته می‌شود و از

زنان خواسته می‌شود تا در خانه بمانند و مشارکتی در فعالیت‌های بیرون از خانه نداشته باشند که این موضوع برخاسته از نگرش‌های مردسالارانه است که جای زنان را در خانه می‌داند و مرد را بیرون از خانه؛ بنابراین می‌توان گفت ضرب‌المثل‌ها به عنوان ابزار و رسانه‌ای در خدمت اندیشه‌های مردسالار جامعه هستند و به نابرابری‌های جنسی دامن می‌زنند. زنان، زمانی مقامی بهتر از مرد برای زن در نظر گرفته شده است که زنان به کارهای درون خانه بپردازند و آنچه را که از یک زن در جامعه مردسالار انتظار می‌رود، به خوبی انجام دهند. صفت‌های به کار رفته برای زنان و مردان در ضرب‌المثل‌های مورد بررسی، نشان‌دهنده نگاه مردسالار در آنهاست؛ چنان که صفت‌های منفی به زنان نسبت داده و از شخصیت‌های زن برای مثال زدن در کارهای منفی استفاده می‌شود. همچنین در این ضرب‌المثل‌ها، مسائل مهم خانواده انعکاس یافته است: هزینه‌های سنگین، مهمترین مانع ازدواج دانسته شده است؛ بهترین شکل خانواده، خانواده تک‌همسری است؛ بر موضوع شناخت پیش از ازدواج تأکید شده و از زن و مرد خواسته شده است که وظایف همسری را بیاموزند.

از زنان انتظار می‌رود که با خود جهیزیه بیاورند و در طول زندگی چندان با شوهرشان بحث و جدل نداشته باشند.

منابع

۱-آبوت، پاملا، والاس، کلر(۱۳۸۷). جامعه شناسی زنان، چاپ پنجم، تهران:

نشر نی.

- ۲- آیزنک، مایکل دیبلو (۱۳۷۵). روانشناسی شادی، برگردان خشایار بیگی و مهرداد فیروز بخت، تهران: انتشارات بدر.
- ۳- استریناتی، دومینیک (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک نظر، چاپ اول، تهران: فروردین.
- ۴- اعزازی، شهلا (۱۳۸۵). فمینیسم و دیدگاه‌ها (مجموعه مقالات)، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ۵- بارون، رابرت و همکاران (۱۳۸۸). روانشناسی اجتماعی، ترجمه یوسف کریمی، چاپ دوم، تهران: روان.
- ۶- باقری، خسرو (۱۳۸۲). مبانی فلسفی فمینیسم، چاپ اول، تهران: دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- ۷- بشیری، محمود، محمودی، معصومه (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای موضوعات و درونمایه‌های مرتبط با زنان در داستان‌های زن محور زنان داستان نویس (۱۳۸۰-۱۳۰۰)» فصلنامه‌ی زبان و ادب پارسی، شماره ۴۷، ص ۵۱-۸۰.
- ۸- پوره، کاظم (۱۳۸۱). موسیقی و ترانه‌های بختیاری، چاپ اول، تهران: آزان.

- ۹- تمیم داری، احمد (۱۳۹۳). فرهنگ عامه، چاپ سوم، تهران: مهکامه.
- ۱۰- جزنی، نسرین (۱۳۸۰). نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۱۱- حسینی، بیژن (۱۳۷۶). اشعار و ترانه های مردمی بختیاری، چاپ اول، اصفهان: شهسواری.
- ۱۲- حسین پور، علی (۱۳۹۱). فرهنگ و ادبیات کودکان بختیاری، چاپ اول، شهرکرد: نیوشه.
- ۱۳- حسین زاده، مسعود (۱۳۹۳). گردآوری، بررسی و تحلیل ادبی و فرهنگی سوگ سروده های عامیانه بختیاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور شهرکرد.
- ۱۴- حنیف، محمد (۱۳۸۶). سور و سوگ در فرهنگ عامه لرستان و بختیاری، تهران: طرح آینده.

- ۱۵- خالق زاده، محمد هادی (۱۳۹۰). «ترانه های کودکانه در ادبیات محلی شیراز»، مجموعه مقالات همایش ادب محلی و محلی سرایان ایران، یاسوج: دانشگاه آزاد یاسوج.
- ۱۶- خسروی، عبدالعلی (۱۳۶۸). فرهنگ بختیاری، تهران: فرهنگ سرا.
- ۱۷- داوودی حموله، سریا (۱۳۹۲). دانشنامه قوم بختیاری، چاپ اول، اهواز: معتبر.
- ۱۸- ذوالفقاری، حسن، احمدی، لیلا (۱۳۸۸) «گونه شناسی بومی سروده های ایران»، ادب پژوهی گیلان، شماره ی هفتم و هشتم، ص ۱۷۰-۱۴۳.
- ۱۹- _____، _____ (۱۳۸۷). «تفاوت کنایه با ضرب المثل»، دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره دهم، صص ۱۱۳-۱۰۹.
- ۲۰- _____، _____ (۱۳۸۶). «هویت ایرانی و دینی در ضرب المثل های فارسی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، ۳۰، شماره ۲.
- ۲۱- رضایی، حمید، ظاهری، ابراهیم (۱۳۹۲). «تصویر زن در قصه های عامیانه ی بختیاری»، نشریه ی زن در فرهنگ و هنر، دوره ی ۵، شماره ی ۲، ص ۲۶۰-۲۳۹.

۲۲- روح الامینی، محمود (۱۳۸۲). گرد شهر با چراغ در مبان‌ی انسان‌شناسی،

تهران: عطار.

۲۳- ریتزر، جورج (۱۳۸۴). نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، مترجم

محسن ثلاثی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی.

۲۴- زاهدی، کیوان، ایمانی، سمیه (۱۳۹۱). «زن در ضرب‌المثل‌های

انگلیسی: رویکرد تحلیلی انتقادی گفتمان»، نقد زبان و ادبیات خارجی، صص

۸۱-۱۱۳

۲۵- ساروخانی، باقر (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران:

سروش.

۲۶- _____، _____ (۱۳۸۶). «فولکلورشناسی از روش تا معنی»، فرهنگ

مردم ایران، شماره ۱۰.

۲۷- سیبلی، کریس (۱۳۸۵). درآمدی بر نظریه‌های فمینیستی، چیستی فمینیسم،

مترجم، محمد رضا زمردی، چاپ اول، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

۲۸- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۳). روانشناسی رشد بزرگ سالان، تهران: انتشارات پیام آزادی.

۲۹- شیخی، کمال (۱۳۹۳). ترانه‌های عامیانه لری: شهرستان لردگان، خانمیرزا و فلارد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور شهرکرد.

۳۰- صالح پور، زینت (۱۳۸۵). جایگاه زن در اشعار، ترانه‌ها و سوگ چامه‌های بختیاری «نجوای فرهنگ، شماره‌ی سیزدهم.

۳۱- صالح پور، اردشیر، صالح پور، زینت (۱۳۸۵) فرهنگ زبانزدهای مشترک قوم لر، تهران: صالح پور

۳۲- عبدالهی موگویی، احمد (۱۳۷۲). ترانه‌ها و مثل‌های بختیاری، چاپ اول، اصفهان: مؤسسه فردا.

۳۳- عنایت، حلیمه و همکاران (۱۳۹۰). «لالایی‌ها، رسانه‌ای زنانه یا ملودی خواب آور کودکان؟» (تحلیلی جامعه‌شناختی از لالایی‌های منطقه فارس)، زن در فرهنگ و هنر، شماره دوم، ص ۷۶-۵۷.

۳۴- فرید، محمد صادق (۱۳۸۳). درآمدی بر نظام خویشاوندی، تهران: پشتون.

۳۵-قنبری، عباس (۱۳۸۱). امثال حکم بختیاری، چاپ اول، شهرکرد: انتشارات ایل.

۳۶-_____، _____ (۱۳۹۱). فولکلور مردم بختیاری، چاپ اول، شهرکرد: انتشارات انوشه.

۳۷-کاظمی، بهمن (۱۳۸۰). هویت ملی در ترانه های اقوام ایرانی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

۳۸-کوئن، بروس (۱۳۷۸). درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا.

۳۹-کیانی، حسین، حسن شاه‌ی، سعیده (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی ساختار درونمایه‌ی لالایی های فارسی و عربی» مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، دانشگاه شیراز، شماره دوم، ۹۱-۱۱۴.

۴۰-محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۷). به کوشش حسن ذوالفقاری، چاپ چهارم، تهران: نشر چشمه.

۴۱-محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: نشر دوران.

۴۲- محمدپور، احمد و همکاران (۱۳۹۱). «مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، شماره ۳، صص ۸۳-۶۵.

۴۳- معصومی، محسن، رحیمی نژاد، ویدا (۱۳۹۱). «زن و ضرب‌المثل‌های جنسیتی»، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سنندج، سال چهارم، شماره ۱۱، صص ۱۵۸-۱۳۵.

۴۴- مقال، محمود (۱۳۶۸). روستای ما، ترجمه توفیق سبحانی، تهران: سروش.

۴۵- مقصودی، سوده، شیرمردی، پژمان (۱۳۹۳) «بررسی مفاهیم سوگ در قوم بختیاری با تأکید بر تحلیل محتوای موسیقی گاگریو» جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، شماره دوم، ص ۳۲۹-۳۰۹.

۴۶- مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۴). دانش‌نامه‌ی نظریه‌ی ادبی معاصر، مترجم مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: نشر آگه.